



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

پالانہ

ایکھا

کے لئے

غدیر؛ در بیان صاحب غدیر

علی اصغر رضوانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غدیر در بیان صاحب غدیر

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	غدیر در بیان صاحب غدیر
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه ناشر
۱۴	پیشگفتار
۱۶	استدلال به آیات امامت
۱۶	اشاره
۱۷	استدلال به آیات امامت
۱۷	۱ - استدلال به آیه «ولایت»
۱۹	۲ - استدلال به آیه «اکمال»
۱۹	۳ - استدلال به آیه «خیر البریه»
۲۲	استدلال به روایات امامت
۲۲	اشاره
۲۳	استدلال به روایات امامت
۲۳	۱ - استدلال به حدیث «غدیر»
۳۱	۲ - استدلال به حدیث «دار»
۳۴	۳ - استدلال به حدیث «ولایت»
۳۵	۴ - استدلال به حدیث «وصایت»
۳۶	۵ - استدلال به حدیث «منزلت»
۳۶	۶ - استدلال به حدیث «علی مّتی و انا من علی»
۳۷	استدلال به آیات بر مرجعیت دینی
۳۷	اشاره
۳۸	استدلال به آیات بر مرجعیت دینی
۳۸	۱ - استدلال به آیه «اولی الامر»

- ۳۹ ۲ - استدلال به آیه «انذار»
- ۳۹ ۳ - استدلال به آیه «تطهیر»
- ۴۰ ۴ - استدلال به آیه «مباهله»
- ۴۱ استدلال به احادیث بر مرجعیت دینی
- ۴۱ اشاره
- ۴۲ استدلال به احادیث بر مرجعیت دینی
- ۴۲ ۱ - استدلال به حدیث «ثقلین»
- ۴۳ ۲ - استدلال به حدیث «مدینه علم»
- ۴۴ ۳ - استدلال به حدیث «علی مع الحق»
- ۴۵ ۴ - استدلال به حدیث «صدیق اکبر»
- ۴۵ ۵ - استدلال به انس و نزدیکی با رسول خداصلی الله علیه وآله
- ۴۷ ۶ - استدلال به وارث علم پیامبرصلی الله علیه وآله بودن
- ۴۹ استدلال به آیات فضایل
- ۴۹ اشاره
- ۵۰ استدلال به آیات فضایل
- ۵۰ ۱ - استدلال به آیه «شراء»
- ۵۱ ۲ - استدلال به آیه «مودت»
- ۵۳ استدلال به روایات فضایل
- ۵۳ اشاره
- ۵۴ استدلال به روایات فضایل
- ۵۴ ۱ - استدلال به سابق بودن در اسلام و ایمان
- ۵۷ ۲ - استدلال به برادری با پیامبرصلی الله علیه وآله
- ۵۹ ۳ - استدلال به حدیث «طیر»
- ۶۰ ۴ - استدلال به حدیث «رایه»
- ۶۰ ۵ - استدلال به حدیث «سد ابواب»
- ۶۱ ۶ - استدلال به مجاهده در راه خدا

- ۶۳ ----- ۷ - استدلال به بت شکن بودن
- ۶۴ ----- ۸ - استدلال به حدیث «نور»
- ۶۴ ----- ۹ - استدلال به ابلاغ سوره براءت
- ۶۵ ----- ۱۰ - استدلال به محوریت محبت او در ایمان
- ۶۵ ----- ۱۱ - استدلال به برتری خویش
- ۶۹ ----- صفات و خصایص پیروان غدیر
- ۶۹ ----- اشاره
- ۷۰ ----- صفات و خصایص پیروان غدیر
- ۷۰ ----- صفات پیروان غدیر
- ۷۶ ----- پیروان غدیر و همیاری با برادران دینی
- ۷۷ ----- این ها پیروان واقعی غدیر نیستند؟!
- ۷۹ ----- وظیفه پیروان غدیر در معاشرت با مردم
- ۸۲ ----- درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱

عنوان و نام پدیدآور: غدیر در بیان صاحب غدیر/ تالیف علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۷۱ ص.

فروست: سلسله مباحث یادمان غدیر.

شابک: ۷۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۷۷-۳

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۹ (فیفا).

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- اثبات خلافت

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- اثبات خلافت -- احادیث

موضوع: غدیر خم

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: BP۲۲۳/۵/ر۶غ۳۷ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۰۹۴۱

ص: ۱

مقدمه ناشر

غدیر محور همبستگی اسلامی و زیربنای تفکر شیعی است. غدیر تبیین کننده جریان اصیل وصایت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می باشد که اسلام راستین را تداوم بخشید و زلال معرفت، ولایت، تسلیم و رضا را در جان مؤمنین جاری و حیات ثمربخش را به آنان هدیه نمود.

غدیر در طول تاریخ مورد بی مهری هایی از طرف دوستان و مورد تهاجم از طرف دشمنان دین قرار گرفت ولی با عنایت و تدبیر پیروان واقعی غدیر حفظ و فرهنگ شد. هم اکنون که در نظام مقدس جمهوری اسلامی همت مسؤولان و مردم متدین ایران اسلامی بر غدیری شدن تمامی این سرزمین اسلامی است، بر آن شدیم مجموعه پیش روی که توسط استاد ارجمند حاج علی اصغر رضوانی تألیف گردیده را به زیور طبع بیاراییم.

امید است مورد قبول حضرت حق و توجّه مولایمان حضرت حجّت «عجل الله تعالی فرجه الشریف» قرار گیرد.

لازم است از عنایات ویژه تولیت محترم حضرت آیت الله وافی و دیگر عزیزان همکار در مجموعه انتشارات برادران دیلمی، امیر سعید سعیدی، آشتی، بخشایش، تلاشان و ... در به ثمر رسیدن این مجموعه فعالیت نموده اند، کمال تشکر و امتنان را داریم و ان شاء الله خوانندگان گرامی ما را از نظرات ارشادی خود محروم نفرمایند.

مدیر مسوؤل انتشارات مسجد مقدس جمکران حسین احمدی

برخی می گویند: اگر این مسائلی را که شما می گوئید درست است چرا خود حضرت علی علیه السلام بعد از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به این ادله تمسک نکرد و خود را از این طریق مستحق خلافت ندانست؟ و لذا این به نوبه خود دلیل بر آن است که حضرت علی علیه السلام یا این گونه ادله را قبول نداشته و یا بعد از انتخاب ابوبکر به خلافت، به آن راضی شده است!

اینک جا دارد این موضوع را بررسی کرده و به روایاتی که در آن ها حضرت علی علیه السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله به ادله امامت خود اشاره کرده و در مصادر اهل سنت آمده پردازیم.

الف) از امام علی علیه السلام نقل شده در احتجاجی که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه وآله در ایام خلافت عثمان داشتند فرمود: «... فانشدکم الله، اتعلمون ... حیث نزلت: «إِنَّمَا وَئِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (۱) ... فأمر الله عزوجل ان يعلمهم ولاه امرهم و ان يفسر لهم من الولاية ما فسّر لهم من صلاتهم و زكاتهم و حجّهم، بنصبي للناس بغدير خم، ثم خطب، و قال: ايها الناس! ان الله ارسلني برسالة ضاق بها صدري و ظننت ان الناس مكذبني، فاعدني لأبلغها او ليعذبني. ثم امر فتودي بالصلاة جامعه، ثم خطب فقال: ايها الناس! اتعلمون ان الله عزوجل مولاي و انا مولى المؤمنين، و انا اولى بهم من انفسهم؟ قالوا: بلى يا رسول الله. قال: قم يا على، فقال: من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه ...» (۲) «... شما را به خدا سوگند مى دهم! آيا مى دانيد ... چه موقعى نازل شد آيه «إِنَّمَا وَئِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا ...»؟ ... خداوند عزوجل دستور داد تا واليان امرش را بشناساند و همان گونه كه نماز و زكات و حج را برای مردم تفسير كرد برای آنان ولایت را با انتصاب من برای مردم در غدیر خم تفسير نماید، و لذا خطبه خوانده و فرمود: ای

ص: ۱۰

۱- ۱. سوره مائده، آیه ۵۵.

۲- ۲. فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۲۵.

مردم! همانا خداوند مرا به رسالتی فرستاد که سینه ام برای آن تنگ آمده و می ترسم که مردم مرا در آن تکذیب کنند، ولی مرا تهدید کرده که آن را ابلاغ نمایم و گرنه مرا عذاب خواهد کرد. آن گاه دستور داد تا اعلام نماز جماعت کنند و سپس خطبه خوانده فرمود: ای مردم! آیا می دانید که خدای عزوجل مولاى من و مولاى مؤمنان است، و من از آنان به خودشان سزاوارترم؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا!، فرمود: برخیز ای علی! من بر خواستم. آن گاه حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس من مولاى اویم پس علی مولاى اوست. بار خدایا دوست بدار هر کس که ولایت او را پذیرفته و دشمن بدار هر کس که با او عداوت کرده است ...».

ب) حاکم نیشابوری به سند خود از امام علی علیه السلام نقل کرده که فرمود: «نزلت هذه الآية على رسول الله صلى الله عليه وآله: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»، فخرج رسول الله صلى الله عليه وآله و دخل المسجد، و الناس يصلون بين راعع و قائم، فصلی فإذا سائل قال: يا سائل أعطاك أحد شيئاً؟ فقال: لا إلا هذا الراعع - اشار لعلی - أعطانی خاتماً؛^(۱) «این آیه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا ...»، رسول خدا صلی الله علیه و آله از منزل خارج و وارد مسجد شد در حالی که مردم در حال رکوع و قیام بوده و نماز می خواندند. حضرت نیز نماز به جای آورد که ناگهان فقیری را مشاهده کرد. حضرت به او فرمود: ای سائل! آیا کسی چیزی به تو داد؟ فقیر گفت: هیچ کس جز این رکوع کننده - اشاره به علی علیه السلام کرد - او بود که به من انگشتری داد.»

ص: ۱۱

۲- استدلال به آیه «اکمال»

از امام علی علیه السلام نقل شده که در ذیل احتجاجی در مورد استدلال به آیه «اولی الامر» و آیه «ولایت» فرمود: «فقام سلمان فقال: یا رسول الله! ولایة کماذا؟ فقال: ولایة کولای، من کنت اولی به من نفسه فعلی اولی به من نفسه. فانزل الله - تعالی ذکره - : «الْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِیْنَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیْتُ لَکُمُ الْاِسْلَمَ دِیْنًا» (۱) فکبر رسول الله صلی الله علیه وآله و قال: الله اکبر، تمام نبوتی و تمام دین الله؟ ولایه علی بعدی ...» (۲) «سلمان برخواست و گفت: ای رسول خدا! کدامین ولایت مقصود شماست؟ حضرت فرمود: ولایتی همانند ولایت من؛ هر کس من سزاوارتر به او از خودش می باشم پس علی نیز اولی به تصرف اوست. اینجا بود که خداوند متعال این آیه را نازل کرد: " امروز برای شما دینتان را کامل و نعمتم را تمام کردم، و راضی شدم که اسلام برای شما به عنوان دین باشد ". در این هنگام بود که رسول خدا صلی الله علیه وآله تکبیر گفت و فرمود: خدا بزرگ تر است، تمامیت نبوت و تمامیت دین خدا به ولایت علی بعد از من است ...».

۳- استدلال به آیه «خیر البریه»

یزید بن شراحیل انصاری، کاتب امام علی علیه السلام می گوید: «سمعت علیاً یقول: حدثنی رسول الله صلی الله علیه وآله و أنا مسنده إلى صدری فقال: یا علی! أما تسمع قول الله عزوجل: «إِنَّ الَّذِیْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّةِ» هم أنت و شیعتک، و موعدی و موعدکم الحوض، إذا

ص: ۱۲

۱- ۴. سوره مائده، آیه ۳.

۲- ۵. فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۲۵۰.

اجتمعت الأمم للحساب تدعون غراء محجلين»؛^(۱) «از علی علیه السلام شنیدم که می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که او را به سینه چسبانده بودم مرا حدیث کرد و فرمود: ای علی! آیا قول خدای عزوجل را نشنیده ای: "اَمَا كَسَانِي كِه اِيْمَانٍ اَوْرَدْتُمْ و اَعْمَالٍ صَالِحٍ اَنْجَمْتُمْ، بَهْتَرِيْنَ مَخْلُوْقَاتٍ [خدا] اِيْنْدَ " اَنَّا نُو و شِيْعِيَانِ تُو هَسْتَنْد، و مَوْعِدِ مَنْ و شَمَا دَر كِنَارِ حَوْضٍ [كوثر] اَسْتِ اَنَّ زَمَانَ كِه اَمْتِ هَا بَرَايِ حِسَابِ جَمْعِ شَدِه و شَمَا دَر حَالِي كِه پِيْشَانِي سَفِيْدِ هَسْتِيْدِ دَعْوَتِ مِي شُوِيْدِ.»

ص: ۱۳

۱-۶. در المنثور، ذیل آیه؛ شواهد التنزیل، ذیل آیه؛ مناقب، خوارزمی، ص ۱۸۶.

الف) معاویه نامه ای به حضرت علی علیه السلام نوشت که برای من فضایل بسیاری است؛ پدرم در جاهلیت مردی بزرگ بود و من برای اولین بار در اسلام پادشاه شدم ...

امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب نامه او فرمود: «أبوالفضائل يفخر عليّ ابن اكله الأكباد؟ ثم قال: اكتب يا غلام:

محمد النبيّ أخى و صنوى

و حمزه سيّد الشهداء عمّى

و جعفر الذى يُضحى و يُمسى

يطير مع الملائكة ابن أمى

و بنت محمد سكنى و عرسى

منوط لحمها بدمى و لحمى

و سبطاً أحمد ولدائى منها

فأيتكم له سهم كسهمى

سبقتكم إلى الاسلام طراً

على ما كان من فهمى و علمى

فأوجب لى ولايته عليكم

رسول الله يوم غدیر خمّ

فويل ثمّ ويل ثمّ ويل

لمن يلقى الإله غداً بظلمى

فقال معاویه: أخفوا هذا الكتاب لا يقرأه أهل الشام فيميلون إلى ابن أبى طالب.»؛(۱)

«آیا به واسطه فضایل، فرزند جگرخوار بر من ظلم می کند؟ بنویس به او ای غلام:

١-٧. تاريخ دمشق، ج ٤٢، ص ٥٢١؛ كنز العمال، ج ١٣، ص ١١٢.

محمد پیامبر صلی الله علیه وآله برادر من است. و حمزه سیدالشهدا عموی من می باشد.

و جعفری که شبانه روز همراه با ملائکه پرواز می کند پسر مادر من است.

و دختر محمد صلی الله علیه وآله همسر من بوده و در خانه من سکنی دارد و گوشتش با خون و گوشت من در تماس است.

و دو نوه احمد فرزندان من از فاطمه اند، پس کدامین شما همچون من چنین سهمی دارند؟

من بر تمام شما به اسلام پیشی گرفته ام، در حالی که نوجوانی بودم که به وقت بلوغ نرسیده است.

رسول خدا صلی الله علیه وآله در روز غدیر خم ولایت من را بر شما واجب کرده است. من کسی هستم که شما مرا در روز جنگ و صلح فراموش نخواهید کرد.

پس وای و وای و وای بر کسی که فردای قیامت خدا را ملاقات کند در حالی که به من ظلم کرده است.

معاویه دستور داد تا آن نامه را مخفی دارند تا اهالی شام آن را قرائت نکنند چرا که باعث می شود تا مردم به علی بن ابی طالب تمایل پیدا کنند.»

ب) ابو طفیل عامر بن واثله می گوید: «كنت على الباب يوم الشورى مع عليّ عليه السلام في البيت و سمعته يقول لهم: لأحتجّن عليكم بما لا يستطيع عربيكم ولا عجميكم تغيير ذلك. ثم قال ... فأنشدكم بالله: هل فيكم احد قال له رسول الله صلى الله عليه وآله: من كنت مولاه فعليّ مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، و انصر من نصره، ليبلغ الشاهد الغائب

غیری؟ قالوا: اللهم لا؛^(۱) «من بر در اتاق در روز شورا با علی در خانه بودم و شنیدم که به آن ها می فرمود: بر شما به چیزی استدلال می کنم که عرب و عجم از شما قدرت تغییر آن را نداشته باشد. سپس فرمود: ... شما را به خدا سوگند! آیا در میان شما کسی هست که رسول خدا درباره او فرموده باشد: هر کس که من مولای اویم پس علی مولای اوست، بار خدایا دوست بدار هر کس که ولایت او را پذیرفته و دشمن بدار هر کس را که با او دشمنی کرده، و یاری کن هر کسی که او را یاری نموده است، باید حاضران به غایبان اطلاع دهند، غیر از من؟ گفتند: بار خدایا هرگز.»

ج) حاکم نیشابوری به سندش از نذیر ضبّی کوفی تابعی نقل کرده که گفت: «کنا مع علیّ یوم الجمل، فبعث إلیّ طلحه بن عبیدالله أن ألقنی، فأتاه طلحه. فقال: نشدتک الله، هل سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله یقول: من کنت مولاه فعلیّ مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه؟»

قال: نعم. قال: فلم تقاتلنی؟ قال: لم اذکر. قال: فانصرف طلحه؛^(۲) «ما با علی علیه السلام در روز جنگ جمل بودیم، حضرت کسی را نزد طلحه بن عبیدالله فرستاد تا با او ملاقات کند، طلحه نزد حضرت آمد، حضرت به او فرمود: تو را به خدا سوگند! آیا شنیدی از رسول خدا صلی الله علیه وآله که می فرمود: هر کس که من مولای اویم علی هم مولای اوست، بار خدایا دوست بدار هر کس که ولایت او را پذیرفته و دشمن بدار هر کس که او را دشمن داشته است؟»

طلحه گفت: آری. حضرت فرمود: پس چرا با من قتال می کنی؟ او گفت: یادم نمی آید. در این هنگام طلحه از امام علی علیه السلام جدا شد.»

د) ابن اثیر به سندش از اصبع نقل کرده که گفت: «نشد علیّ الناس

ص: ۱۸

۱-۸. مناقب خوارزمی حنفی، ص ۳۱۳، ح ۳۱۴؛ فرائد السمطین، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۲۵۱.

۲-۹. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۳۷۱؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۷.

فی الرحبه: من سمع النبى صلی الله علیه وآله يوم غدیر خم ما قال الا قام و لا يقوم الا من سمع رسول الله صلی الله علیه وآله يقول. فقام بضعه عشر رجلاً فيهم أبو أيوب الأنصاري، و أبو عمره بن عمرو بن محسن، و أبو زینب، و سهل بن حنيف، و خزيمه بن ثابت، و عبد الله بن ثابت الأنصاري، و حبشى ابن جناده السلولى، و عبيد بن عازب الأنصاري، و النعمان بن عجلان الأنصاري، و ثابت بن وديعه الأنصاري، و أبو فضاله الأنصاري، و عبد الرحمن بن عبد رب الأنصاري، فقالوا: نشهد أنا سمعنا رسول الله صلی الله علیه وآله يقول: ألا- ان الله عزوجل وليي و أنا وليي المؤمنين، ألا فمن كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و أحب من أحبه و أبغض من أبغضه و أعن من اعانه»؛(1) «على علیه السلام در رحبه مردم را سوگند یاد کرد که هر کس از پیامبر صلی الله علیه وآله در روز غدیر خم شنید آن را که فرموده برخیزد، و تنها کسانی برخیزند که از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیده اند که می فرمود. در آن هنگام بیش از ده نفر برخاستند که در میان آن ها ابویوب انصاری، ابو عمره بن عمر بن محسن، ابو زینب بن عوف انصاری و سهیل بن حنيف، و خزيمه بن ثابت، و عبد الله بن ثابت انصاری، و حبشى بن جناده سلولى، و عبيد بن عازب انصاری، و نعمان بن عجلان انصاری، و ثابت بن وديعه انصاری، و ابو فضاله انصاری و عبد الرحمن عبد رب انصاری، بودند، و گفتند: ما گواهی می دهیم از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود: آگاه باشید! هر کس من مولای اویم پس علی مولای اوست، بار خدایا! هر کس که ولایت او را پذیرفت او را دوست بدار و هر کس که با او دشمنی کرد او را دشمن بدار، و هر کس که او را دوست داشت او را دوست بدار، و هر کس او را دشمن

ص: ۱۹

داشت او را دشمن بدار، و کمک کن هر کس که او را کمک نموده است.»

ه) از زید بن ارقم نقل شده که گفت: «نشُد علیّ الناس: أنشد الله رجلاً سمع النبيّ صلى الله عليه وآله يقول: من كنت مولاه فعليّ مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. فقام اثنا عشر بديراً فشهدوا بذلك، و كنت فيمن كتم فذهب بصرى»؛^(۱) «علی علیه السلام مردم را سوگند داد و فرمود: سوگند می دهم کسی را که از پیامبر صلی الله علیه وآله شنیده که می فرمود: هر کس که من مولای اویم پس علی هم مولای اوست، بار خدایا! دوست بدار هر کسی را که ولایت او را پذیرفته و دشمن بدار هر کسی را که با او دشمنی کرده است، [برخیزد و گواهی دهد]. در آن هنگام دوازده نفر که همگی بدری بوده و در جنگ بدر با پیامبر صلی الله علیه وآله حاضر بودند برخاسته و همگی به حدیث غدیر گواهی دادند. و من از جمله کسانی بودم که آن را کتمان کردم و لذا چشمانم نابینا شد.»

و) احمد بن حنبل به سندش از زاذان بن عمر نقل کرده که گفت: «سمعت علیاً فی الرحبه و هو ینشد الناس، من شهد رسول الله صلی الله علیه وآله یوم غدیر خمّ و هو یقول ما قال. فقام ثلاثه عشر رجلاً، فشهدوا أنّهم سمعوا رسول الله صلی الله علیه وآله و هو یقول: "من كنت مولاه فعليّ مولاه"»؛^(۲) «از علی علیه السلام در روز "رحبه" شنیدم مردم را سوگند می داد که هر کس در روز غدیر خم شاهد بوده که پیامبر صلی الله علیه وآله چنان فرمود گواهی دهد. در آن هنگام سیزده نفر برخاسته و گواهی دادند از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیده اند که فرمود: هر کس من مولای اویم علی هم مولای اوست.»

ص: ۲۰

۱- ۱۱. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۶؛ المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۵۱۰، ح ۴۹۹۶.

۲- ۱۲. مسند احمد، ج ۱، ص ۸۴.

ز) و نیز به سندش از زیاد بن ابی زیاد نقل کرده که گفت: «سمعت علی بن ابی طالب علیه السلام یُنشِدُ الناس فقال: أَنشُدُ الله رجلاً مسلماً سمع رسول الله صلى الله عليه وآله يقول يوم غدیر خم ما قال. فقام اثنا عشر بدریا فشهدوا»؛ (۱) «از علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم مردم را سوگند می داد و می فرمود: به خدا سوگند! هر فرد مسلمانی که از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنید که در روز غدیر خم فرمود آن چه را فرمود [گواهی دهد]. در آن هنگام دوازده نفر از صحابه که در جنگ بدر شرکت کرده بودند بر خواستند.»

ح) و نیز به سندش از سعید بن وهب و زید بن یثیع نقل کرده که گفتند: «نشد علی الناس فی الرجة: من سمع رسول الله صلى الله عليه وآله يقول يوم غدیر خم الآ قام. قال: فقام من قبل سعید سته و من قبل زید سته، فشهدوا أنهم سمعوا رسول الله صلى الله عليه وآله يقول لعلی يوم غدیر خم: أليس الله أولى بالمؤمنین؟ قالوا: بلی. قال: اللهم من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم والاه و عاد من عاداه»؛ (۲) «علی علیه السلام در " رجة " مردم را سوگند داد: هر کس از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنید که در روز غدیر خم می فرمود [آنچه را که فرمود] برخیزد. راوی می گوید: از ناحیه سعید شش نفر و از ناحیه زید نیز شش نفر برخاسته و همگی گواهی دادند که از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدند که برای علی علیه السلام در روز غدیر خم می فرمود: آیا خدا اولی به مؤمنین نیست؟ گفتند آری. حضرت فرمود: بار خدایا! هر کس من مولای اویم پس علی مولای اوست، بار خدایا! دوست بدار هر کس که ولایت او را پذیرفته و دشمن بدار هر کس که با او دشمنی کرده است.»

ط) و نیز به سندش از ابو الطفیل عامر بن واثله لیثی صحابی نقل کرده که گفت: «جمع علی - رض - الناس فی الرجة ثم قال لهم: أنشد الله

ص: ۲۱

۱-۱۳. همان، ص ۸۸.

۲-۱۴. مسند احمد، ج ۱، ص ۱۱۸.

کَلَّ أَمْرِي مُسْلِمٌ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍّ مَا سَمِعَ لَمَّا قَامَ، فَقَامَ ثَلَاثُونَ مِنَ النَّاسِ؛^(۱) «علی - رض - در "رحبه" مردم را جمع کرد سپس به آنان فرمود: سوگند می دهم به خدا هر فرد مسلمانی را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم شنید آنچه را که می فرمود، برخیزد [و گواهی دهد]. در آن هنگام سی نفر برخاسته و گواهی دادند.»

ی) و نیز از عبدالرحمن بن ابی لیلی نقل کرده که گفت: «شهدت علیاً - رض - فی الرحبه ینشد الناس: أنشد الله من سمع رسول الله صلی الله علیه و آله يقول یوم غدیر خم: من کنت مولاه فعلی مولاه، لَمَّا قام فشهد.»

قال عبدالرحمن: فقام اثنا عشر بدریاً کأنی أنظر إلی أحدهم، فقالوا: نشهد أنا سمعنا رسول الله صلی الله علیه و آله يقول یوم غدیر خم: ألسن أولی بالمؤمنین من أنفسهم و أزواجی أمهاتهم؟ فقلنا: بلی یا رسول الله. قال: فمن کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه؛^(۲) «من شاهد علی - رض - در "رحبه" بودم که مردم را چنین سوگند می داد: به خدا سوگند! هر کس از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید که در روز غدیر خم می فرمود: هر کس که من مولای اویم پس علی مولای اوست برخیزد و گواهی دهد.»

عبدالرحمن می گوید: دوازده بدری بر خواستند. گویا که به یکی از آن ها نظاره می کنم، و همگی گفتند: ما گواهی می دهیم از رسول خدا شنیدیم که در روز غدیر خم می فرمود: آیا من اولی به مؤمنین از خودشان نیستم و همسران من مادران مؤمنان نیست؟ ما گفتیم: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: پس هر کس که من مولای اویم پس علی مولای اوست، بار خدایا! دوست بدار هر کس که ولایت او را پذیرفته و دشمن بدار هر کس که او را دشمن داشته است.»

ص: ۲۲

۱- ۱۵. مسند احمد، ج ۴، ص ۳۷۰.

۲- ۱۶. مسند احمد، ج ۱، ص ۱۱۹.

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمود: «لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ عَلِيٍّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» دَعَانِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لِي: يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَنْذِرَ عَشِيرَتِي الْأَقْرَبِينَ، فَضَعْتُ بِذَلِكَ ذُرْعًا وَعَرَفْتُ أَنِّي مَتَى أَبَادْتُهُمْ بِهَذَا الْأَمْرِ أَرَى مِنْهُمْ مَا أَكْرَهُ، فَصَمْتُ عَلَيْهِ حَتَّى جَاءَنِي جَبْرِيلُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّكَ إِلَّا تَفْعَلْ مَا تَوَمَّرَ بِهِ يَعْذِبُكَ رَبِّيكَ. فَاصْنَعْ لَنَا صَاعًا مِنْ طَعَامٍ وَاجْعَلْ عَلَيْهِ رَجُلَ شَاهٍ وَامْلَأْ لَنَا عَسًا مِنْ لَبَنٍ، ثُمَّ اجْمَعْ لِي بَنِي عَبْدِالمَطْلَبِ حَتَّى أَكَلْتَهُمْ وَأَبْلَغْتَهُمْ مَا أَمَرْتُ بِهِ، فَفَعَلْتُ مَا أَمَرَنِي بِهِ ثُمَّ دَعَوْتُهُمْ لَهُ وَهُمْ يَوْمئِذٍ أَرْبَعُونَ رَجُلًا - يَزِيدُونَ رَجُلًا أَوْ يَنْقُصُونَهُ - فِيهِمْ أَعْمَامُهُ: أَبُو طَالِبٍ وَحَمْزَةُ وَالْعَبَّاسُ وَأَبُولَهَبٌ فَلَمَّا اجْتَمَعُوا إِلَيْهِ دَعَانِي بِالطَّعَامِ الَّذِي صَنَعْتُ لَهُمْ فَجِئْتُ بِهِ، فَلَمَّا وَضَعْتَهُ تَنَاوَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَذْرَهُ مِنَ اللَّحْمِ فَشَقَّهَا بِأَسْنَانِهِ ثُمَّ أَلْقَاهَا فِي نَوَاحِي الصَّفْحَةِ ثُمَّ قَالَ: خَذُوا بِسْمِ اللَّهِ.

فَأَكَلَ الْقَوْمَ حَتَّى مَا لَهُمْ بَشَىءٌ حَاجَهُ وَمَا أَرَى إِلَّا مَوْضِعَ أَيْدِيهِمْ، وَإِيمَ اللَّهِ الَّذِي نَفَسَ عَلَيَّ بِيَدِهِ إِنْ كَانَ الرَّجُلُ الْوَاحِدَ مِنْهُمْ لِيَأْكُلَ مَا قَدِمْتُ لَجَمِيعِهِمْ، ثُمَّ قَالَ: اسْقِ الْقَوْمَ، فَجِئْتُهُمْ بِذَلِكَ الْعَسِّ فَشَرَبُوا مِنْهُ حَتَّى رَوَوْا مِنْهُ جَمِيعًا، وَإِيمَ اللَّهِ إِنْ كَانَ الرَّجُلُ الْوَاحِدَ مِنْهُمْ لِيَشْرَبَ مِثْلَهُ. فَلَمَّا أَرَادَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَكَلِّمَهُمْ يَدْرَهُ أَبُولَهَبٌ إِلَى الْكَلَامِ فَقَالَ: لِحَدِّ مَا سَحَرَكُم صَاحِبِكُمْ! فَتَفَرَّقَ الْقَوْمُ وَلَمْ يَكَلِّمَهُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ الْغَدِي: يَا عَلِيُّ! إِنَّ هَذَا الرَّجُلَ سَبَقَنِي إِلَى مَا قَدْ سَمِعْتُ مِنَ الْقَوْلِ فَتَفَرَّقَ الْقَوْمَ قَبْلَ أَنْ أَكَلْتَهُمْ، فَعَدَّ لَنَا مِنَ الطَّعَامِ بِمِثْلِ مَا صَنَعْتُ، ثُمَّ اجْمَعْتُهُمْ إِلَيَّ. قَالَ: فَفَعَلْتُ، ثُمَّ جَمَعْتُهُمْ، ثُمَّ دَعَانِي بِالطَّعَامِ فَقَرَّبْتَهُ لَهُمْ، فَفَعَلَ كَمَا فَعَلَ بِالْأَمْسِ، فَأَكَلُوا حَتَّى مَا لَهُمْ بَشَىءٌ حَاجَهُ، ثُمَّ قَالَ: أَسْقِهِمْ، فَجِئْتُهُمْ بِذَلِكَ الْعَسِّ فَشَرَبُوا

حتى رووا منه جميعاً، ثم تكلم رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا بني عبدالمطلب! إنني والله ما أعلم شاباً في العرب جاء قومه بأفضل مما قد جئتكم به، إنني قد جئتكم بخير الدنيا والآخرة، وقد أمرني الله تعالى أن أدعوكم إليه، فأينكم يؤازرنى على هذا الامر على أن يكون أخى و وصيى و خليفتى فيكم؟

قال: فأحجم القوم عنها جميعاً. و قلت ... أنا يا نبى الله أكون وزيرك عليه. فاخذ برقبتي ثم قال: إن هذا أخى و وصيى و خليفتى فيكم فاسمعوا له و أطيعوا.

قال: فقام القوم يضحكون و يقولون لأبى طالب: قد أمرك أن تسمع لابنك و تطيع؛(١)

«چون این آیه نازل شد: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»، رسول خداصلی الله علیه وآله مرا خواست و فرمود: ای علی! همانا خداوند مرا فرمان داده تا قوم نزدیکم را بیم دهم، ولی از این جهت در مضیقه ام و می دانم اگر شروع به دعوت از آن ها کنم چیزی مشاهده می کنم که کراهت دارم. من سکوت اختیار کردم تا این که جبرئیل نزد من آمد و فرمود: ای محمّد! اگر آنچه را فرمان داده شده ای انجام ندهی پروردگارت تو را عذاب خواهد کرد. پس یک من گندم آمده کن و نان بپز و یک ران گوسفند نیز خریداری کن، و نیز از شیر شربتی فراهم آور، و بنی عبدالمطلب را جمع کن تا آنان را آگاه کرده و دستوری که به من داده شده ابلاغ نمایم.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: من آنچه را که حضرت دستور داده بود

ص: ۲۴

۱- ۱۷. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۲؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۱۱۱؛ تاریخ دمشق، ج ۱، رقم ۱۳۳-۱۳۸؛ کامل ابن اثیر، ج ۱، ص ۵۸۵؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۳۶۳؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۱۴؛ السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۲۸۶.

فراهم کردم، سپس آنان را برای غذا دعوت نمود که جمعیت آن ها چهل نفر یا کمتر یا بیشتر بود، و در میان آنان عموهای پیامبر از ابوطالب، حمزه، عباس و ابولهب بودند. چون همگی برای غذا جمع شدند حضرت آن ها را به غذایی که فراهم کرده بودم دعوت کرد و ما غذا را حاضر کردیم. چون آن را بر زمین گذاشتیم، حضرت تکه گوشتی را برداشت و با دندان های خود دو نیم کرد و سپس آن را در میان طبق گذاشت و فرمود: با نام خدا شروع کنید. همگی از آن غذا خورده و سیر شدند در حالی که تنها آثار دست های آن ها بر غذا بود و از غذا چیزی کاسته نشده بود. و قسم به کسی که جان علی به دست اوست اگر یک نفر آن ها به مقدار تمام غذاها می خورد باز برای همه فراهم بود. سپس حضرت فرمود: آنان را سیراب نما. من کاسه را برداشته و به آنان دادم و همگی از آن آشامیده و سیراب شدند. به خدا سوگند! که اگر هر یک از آنان می خواست همه شربت را بخورد امکان داشت. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله خواست برای آنان سخن بگوید ابولهب ابتدا به صحبت کرد و گفت: سحر صاحب شما، شما را تأثیر کرده است. آنان متفرق شدند و لذا پیامبر صلی الله علیه و آله نتوانست با آنان سخن بگوید.

روز بعد پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! همانا این مرد مرا سبقت گرفت به آنچه که شنیدی و قوم مرا متفرق کرد قبل از آن که من با آنان سخن بگویم. تو همانند سابق طعامی آماده ساز و دوباره آن ها را برای من جمع کن.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: من برخاستم و آنان را برای حضرت جمع کردم. پیامبر صلی الله علیه و آله طعام را خواست و من برای قوم آماده ساختم و پیامبر صلی الله علیه و آله همان کاری را که روز قبل انجام داده بود انجام داد، سپس

فرمود: آن‌ها را سیراب کن. من ظرف شربت را آورده و به آنان دادم و همگی از آن خورده و سیراب شدند. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به سخن درآمد و فرمود: ای بنی عبدالمطلب! همانا به خدا سوگند! من در میان عرب جوانی را سراغ ندارم که برای قومش چیزی بهتر از آنچه من آورده‌ام آورده باشد، همانا من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام، و خدای تبارک و تعالی مرا دستور داده تا شما را به آن دعوت کنم، پس کدامین نفر از شماست که مرا بر این امر کمک کند تا برادر و وصی و جانشین من در میان شما باشد؟

همگی سرهایشان را به زیر انداخته و سکوت کردند، ولی من ... به حضرت عرض کردم: من ای پیامبر خدا وزیر تو خواهم بود. حضرت گردن مرا گرفته و سپس فرمود: این برادر و وصی و جانشین من در میان شماست، پس به دستوراتش گوش فرا داده و او را اطاعت کنید.

آن قوم برخاسته و شروع به خنده کردند و به ابوطالب می‌گفتند: او تو را دستور داده تا سخن فرزندت را گوش فرا داده و اطاعت کنی.»

۳- استدلال به حدیث «ولایت»

از امام علی علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سألت فیک خمساً فمنعنی واحده و اعطانی فیک أربعه؛ سألته ان تجمع علیک أمتی فأبی علیّ، و اعطانی انی أول من تنشق عنه الأرض و انت معی، و لواء الحمد تحمله، تسبق الأولین و الآخِرین. و اعطانی انک أخی فی الدنیا و الآخرة، و اعطانی ان یتک مقابل بیتی فی الجنة، و انت ولیّ المؤمنین بعدی»؛ (۱) «از خداوند درباره تو - علی علیه السلام - پنج تقاضا کردم، یکی را امتناع

ص: ۲۶

کرد و درباره تو چهار تقاضا را برآورده نمود؛ از او خواستم که امتم را بر تو مجتمع سازد آن را امتناع نمود. ولی به من عطا کرد که من اولین کسی باشم که زمین برایم شکافته شده در حالی که تو همراه من هستی، و پرچم حمد را حمل می کنی تو از اولین و آخرین با آن پرچم سبقت می گیری. و به من عطا نمود که تو برادر من در دنیا و آخرت باشی. و عطا نمود که خانه تو مقابل خانه من در بهشت باشد، و این که ولی مؤمنان بعد از من باشی.»

۴ - استدلال به حدیث «وصایت»

الف) از امام علی علیه السلام نقل شده که پیامبر صلی الله علیه وآله درباره او فرمود: «إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا»؛^(۱) «همانا این شخص، برادر و وصی و جانشین من در میان شماست پس به دستورات او گوش فرا داده و او را اطاعت کنید.»

ب) و نیز فرمود: «أنا أخو رسول الله صلی الله علیه وآله و وصیه»؛^(۲) «من برادر رسول خدا و وصی اویم ...».

ج) و نیز در اثنای خطبه ای فرمود: «أنا عبد الله، و أخو رسوله، لا يقولها أحد قبلي و لا بعدی إلا كذب، و رثت نبی الرحمة، و نكحت سیده نساء هذه الأمة، و أنا خاتم الوصیین»؛^(۳) «من بنده خدا و برادر رسولش می باشم، کسی قبل و بعد از من چنین سخنی نمی گوید جز آن که دروغگوست. من وارث نبی رحمتم و با بزرگ زنان این امت ازدواج نمودم و من خاتم اوصیایم.»

ص: ۲۷

۱- ۱۹. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۳؛ کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۶۲.

۲- ۲۰. مناقب، خوارزمی حنفی، ص ۲۲۲.

۳- ۲۱. شرح ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۸۷.

۵- استدلال به حدیث «منزلت»

الف) از امام علی علیه السلام نقل شده که در احتجاج خود بر اهل شورا فرمود: «أنشدكم بالله؛ أفیکم أحد أخو رسول الله صلی الله علیه وآله غیری إذ آخی بین المؤمنین، فأخی بینی و بین نفسه، و جعلنی منه بمنزله هارون من موسى إلا- أننی لست نبی؟! قالوا: لا»؛^(۱) «شما را به خدا سوگند می‌دهم! آیا در میان شما کسی هست که غیر از من برادر رسول خدا صلی الله علیه وآله باشد، چرا که بعد از عقد اخوت بین مؤمنین، بین من و خودش عقد اخوت بست و مرا نزد خود به منزله هارون نزد موسی قرار داد جز آن که من پیامبر نیستم؟! گفتند: هرگز.»

ب) و نیز از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله در حق من فرمود: «أنت منی بمنزله هارون من موسى»؛^(۲) «تو نزد من به منزله هارون نزد موسی هستی.»

۶- استدلال به حدیث «علی منی و انا من علی»

عبد خیر از امام علی علیه السلام نقل کرده که فرمود: «اهدی إلى النبی صلی الله علیه وآله قنوموز، فجعل یقشر الموز و یجعلها فی فمی، فقال له قائل: یا رسول الله! إنک تحب علیاً؟ قال: أو ما علمت إن علیاً منی و انا منه»؛^(۳) «برای پیامبر صلی الله علیه وآله دسته ای از موز هدیه آوردند. حضرت شروع به پوست کندن موز کرده و در دهان من می‌گذارد. شخصی به ایشان عرض کرد: ای رسول خدا! شما علی را دوست دارید؟ حضرت فرمود: آیا نمی‌دانی که علی از من و من از اویم؟».

ص: ۲۸

۱- ۲۲. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۳۲.

۲- ۲۳. همان، ج ۱۲، ص ۳۴۹.

۳- ۲۴. مناقب، خوارزمی حنفی، ص ۶۴.

از امام علی علیه السلام نقل شده در احتجاجی که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه وآله در ایام خلافت عثمان داشتند فرمود: «... فَأَنْشِدُكُمْ اللَّهَ، أَتَعْلَمُونَ حَيْثُ نَزَلَتْ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؟... فَأَمَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُعَلِّمَهُمْ وَلَاهَ أَمْرِهِمْ... بِنَصْبِي لِلنَّاسِ بِغَدِيرِ خُمٍ ثُمَّ خَطَبَ وَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ أَرْسَلَنِي بِرِسَالَةٍ ضَاقَ بِهَا صَدْرِي وَظَنَنْتُ أَنَّ النَّاسَ مَكْذِبِينَ، فَأَوْعَدَنِي لِأَبْلَغِهَا أَوْ لِيُعَذِّبَنِي، ثُمَّ أَمَرَ، فَنُودِيَ بِالصَّلَاةِ جَامِعَهُ، ثُمَّ خَطَبَ، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! أَتَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مَوْلَايَ وَأَنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنَا أَوْلَى بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: قُمْ يَا عَلِيُّ، فَقَمْتُ. فَقَالَ: مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ؛^(۱) «... شما را به خدا سوگند! آیا می دانید چه موقعی نازل شد آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ...»... پس خداوند عزوجل پیامبرش را فرمان داد تا والیان امرش را معرفی کند... به نصب کردن من بر مردم در روز غدیر خم، آنگاه خطبه ای خوانده و فرمود: ای مردم! همانا خداوند مرا به رسالتی فرستاده که سینه ام برای آن تنگ آمده و گمان می کنم که مردم مرا تکذیب کنند، ولی خداوند مرا تهدید کرده که باید آن را ابلاغ نمایم وگرنه مرا عذاب خواهد کرد، آنگاه دستور داد تا نماز جماعت برپا شود، و بعد

ص: ۳۰

از آن خطبه ای خواند و فرمود: ای مردم! آیا می دانید که خداوند عزوجل مولای من و من مولای مؤمنان و سزاوارتر به مردم از خودشان می باشم؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: برخیز ای علی! من برخاستم، حضرت فرمود: هر کس من مولای اویم پس علی نیز مولای اوست، بار خدایا! دوست بدار هر کس که ولایت علی را پذیرفته و دشمن بدار هر کس که او را دشمن دارد.»

۲- استدلال به آیه «انذار»

الف) احمد بن حنبل به سندش از امام علی علیه السلام نقل کرده که در مورد آیه: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فرمود: «رسول الله صلی الله علیه و آله المنذر و الهاد رجل من بنی هاشم»؛ (۱) «رسول خدا صلی الله علیه و آله بیم دهنده و هدایت گر مردی از بنی هاشم است.»

ب) حاکم نیشابوری به سندش از امام علی علیه السلام نقل کرده است که درباره آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فرمود: «رسول الله صلی الله علیه و آله المنذر، و انا الهادی»؛ (۲) «رسول خدا صلی الله علیه و آله بیم دهنده و من هدایت گرم.»

۳- استدلال به آیه «تطهير»

عامر بن واثله می گوید: «كنت مع عليّ في البيت يوم الشورى، فسمعت علياً يقول لهم: لأحتجنّ عليكم بما لا يستطيع عربيتكم و لا- عجميتكم تغيير ذلك. ثم قال: ... فأنشدكم بالله! هل فيكم احد انزل الله فيه آيه التطهير حيث يقول: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ

ص: ۳۱

۱- ۲۶. مسند احمد، ج ۱، ص ۱۲۶؛ المعجم الصغير، طبرانی، ج ۱، ص ۲۶۲.

۲- ۲۷. المستدرک علی الصحيحین، ج ۳، ص ۱۳۰.

الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» غیری؟ قالوا: اللَّهُمَّ لا؛^(۱) «من همراه با علی روز شورا در خانه بودم، که شنیدم علی علیه السلام به آنان می فرمود: بر شما به چیزی استدلال خواهم کرد که عرب و عجم از شما قدرت تغییر آن را نداشته باشد سپس فرمود: ... شما را به خدا سوگند! آیا در میان شما کسی هست که خداوند در شأن او آیه تطهیر را نازل کرده باشد آنگاه فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ ...»، غیر از من؟ گفتند: هرگز.»

۴ - استدلال به آیه «مباهله»

الف) از حضرت علی علیه السلام نقل شده که در احتجاج خود با قوم فرمود: «افتقرّون انّ رسول الله صلى الله عليه وآله حين دعا أهل نجران الى المباهله، أنّه لم يأت إلاّ بى و بصاحبتى و ابنتى؟. قالوا: اللهم نعم»؛^(۲) «آیا اقرار می کنید که رسول خداصلی الله علیه وآله هنگامی که اهل نجران را به مباهله دعوت کرد کسی به جزمین و همسر و دو فرزندانم را نیاورد؟ گفتند: بار خدایا، آری.»

ب) و نیز نقل شده که خطاب به اهل شورا فرمود: «نشدتکم باللّٰه! هل فيکم أحد أقرب إلى رسول الله صلى الله عليه وآله في الرحم و من جعله رسول الله صلى الله عليه وآله نفسه، و أبناء أبنائه، و نساءه نساءه، غیری؟ قالوا: اللهم لا؛^(۳) «شما را به خدا سوگند! آیا در میان شما کسی به رسول خداصلی الله علیه وآله در رحم بودن از من نزدیک تر است؟ و کسی که رسول خداصلی الله علیه وآله او را نفس خود دانسته و فرزندانش را فرزندان خود و زنانش را زنان خود به حساب آورده است؟ گفتند: بار خدایا! هرگز.»

ص: ۳۲

۱- ۲۸. المناقب، ابن مغازلی شافعی، ص ۱۱۲.

۲- ۲۹. تاریخ دمشق، ج ۳، ص ۱۱۶، رقم، ۱۱۴۰.

۳- ۳۰. همان، ج ۴۲، ص ۴۳۲.

استدلال به احادیث بر مرجعیت دینی

اشاره

ص: ۳۳

۱ - استدلال به حدیث «ثقلین»

الف) عامر بن وائله می گوید: «كنت مع علی فی البیت یوم الشوری، فسمعت علیاً یقول لهم: لأحتجنّ علیکم بما لا یستطیع عربیکم و لا عجمیکم بغیر ذلک ثم قال ... فأنشدکم باللّه! أتعلّمون أنّ رسول اللّه صلی الله علیه وآله قال: انّی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّه و عترتی، لن تضلّوا ما استمسکتُم بهما، و لن یفترقا حتی یردا علی الحوض؟ قالوا: اللّهم نعم ...»؛^(۱) «من همراه علی - علیه السلام - روز شورا در خانه بودم که شنیدم خطاب به آنان می فرمود: بر شما به چیزی احتجاج خواهم کرد که عرب و عجم از شما نتواند آن را تغییر دهد، سپس فرمود: ... شما را به خدا سوگند! آیا می دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا من در میان شما دو چیز گران بها می گذارم کتاب خدا و عترتم، اگر به آن دو تمسک کنید هرگز گمراه نخواهید شد، و آن دو از یک دیگر جدا نمی شوند تا بر من در کنار حوض [کوثر] وارد شوند؟ گفتند بار خدایا! آری.»

ب) از امام علی علیه السلام نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «انّی قد ترکت فیکم ما إن اخذتم به لن تضلّوا؛ کتاب اللّه سبب ید اللّه و سبب بأیدیکم، و اهل بیتی»؛^(۲) «همانا در میان شما چیزی گذاشتم که اگر به آن

ص: ۳۴

۱- ۳۱. المناقب، ابن مغزلی شافعی، ص ۱۱۲.

۲- ۳۲. کنز العمال، ج ۱، ص ۳۸۰.

اخذ کنید هرگز گمراه نخواهید شد؛ کتاب خدا که سببی است به دست خدا و وسیله ای است به دستان شما، و اهل بیتم.»

۲ - استدلال به حدیث «مدینه علم»

الف) می‌برد از امام علی علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها»؛ (۱) «من شهر علم و علی دروازه آن است.»

ب) ابن خلاد به سندش از امام علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها»؛ (۲) «من شهر علم و علی دروازه آن است.»

ج) نظیر این معنا را نیز حاکم نیشابوری به سندش از ابو الطفیل نقل کرده که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را روی منبر مشاهده کردم که می فرمود: «سلونی قبل ان تفقدونی، و لن تسألوا بعدی مثلی»؛ (۳) «از من سؤال کنید قبل از آن که از میان شما رحلت کنم و هرگز از مثل من بعد از من سؤال نخواهید کرد.»

ابن کوا در آن هنگام بلند شد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! «الدَّارِیَاتِ ذُرُوءًا» چیست؟ حضرت فرمود: باده‌ها. او گفت: «الْحَامِلَاتِ وَفِرًّا» چیست؟ حضرت فرمود: ابرها. گفت: «الْجَرِیَاتِ یُسْرِرًا»؟ حضرت فرمود: کشتی‌ها. گفت: «الْمُقَسِّمَاتِ أَمْرًا»؟ فرمود: ملائکه. گفت: آن کسانی که نعمت خدا را تبدیل به کفران کرده و قوم خود را به خانه بدبختی جهنم کشاندند کیانند؟ حضرت فرمود: منافقین قریش. (۴)

ه) و نیز از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «والله ما نزلت

ص: ۳۵

۱- ۳۳. کتاب الفاضل، ص ۳.

۲- ۳۴. معرفه الصحابه، مخطوط.

۳- ۳۵. مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۳۵۲.

۴- ۳۶. همان.

آیه‌ی اِلاّ و قد علمت فیم أنزلت، و این آنزلت، اِنْ رَبِّي وَهَب لِي قَلْبًا عَقُولًا و لِسَانًا سَوِيًّا؛^(۱) «به خدا سوگند! هیچ آیه‌ی نازل نشد جز آن که می‌دانم درباره‌ی چه موضوعی نازل شده و کجا نازل گشته است. همانا پروردگرم به من قلبی درک‌کننده و زبانی سؤال‌کننده عطا نموده است.»

(و) ترمذی به سندش از امام علی علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «انا دار الحکمه و علی بابها»؛^(۲) «من خانه حکمت و علی درب آن است.»

۳- استدلال به حدیث «علی مع الحق»

الف) عامر بن واثله می‌گوید: «كنت مع علی فی البیت یوم الشوری، فسمعت علیاً یقول لهم: لأحتجنّ علیکم بما لا یستطیع عربیکم و لا عجمیکم بغير ذلک. ثم قال: ... فأنشدکم بالله! أتعلّمون أنّ رسول الله قال: الحق مع علی و علی مع الحق، یزول الحق مع علی حیث زال»؛^(۳) «من همراه علی علیه السلام - روز شورا در خانه بودم که شنیدم می‌فرمود: بر شما به چیزی احتیاج خواهم کرد که عرب و عجم از شما قدرت تغییر آن را ندارد. سپس فرمود: ... شما را به خدا سوگند! آیا می‌دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حق با علی و علی با حق است، حق همیشه با علی است هر جا که او باشد.»

ب) حاکم نیشابوری به سندش از امام علی علیه السلام نقل کرده که

ص: ۳۶

۱- ۳۷. حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۶۷.

۲- ۳۸. صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۳۰۱، ح ۳۸۰۷؛ تهذیب الآثار، ج ۴، ص ۱۰۴.

۳- ۳۹. المناقب، ابن مغزلی شافعی، ص ۱۱۲.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «رحم الله علیاً، اللهم أدر الحق معه حيث دار»؛^(۱) «خدا رحمت کند علی را، بار خدایا! حق را بر محور علی قرار بده هر جا که او هست.»

۴ - استدلال به حدیث «صدیق اکبر»

الف) معاذه می گوید: از علی علیه السلام هنگامی که بر منبر بصره خطبه می خواند شنیدم که می فرمود: «انا الصدیق الأكبر! آمنت قبل أن يؤمن أبوبکر، و أسلمت قبل أن یسلم»؛^(۲) «من صدیق اکبرم، قبل از آن که ابوبکر ایمان آورد اسلام آوردم و قبل از آن که او اسلام آورد اسلام آوردم.»

ب) و نیز از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «أنا عبد الله و أخو رسوله، و أنا الصدیق الأكبر، لا یقولها بعدی إلا کذاب مفتر، و لقد صلّیت قبل الناس سبع سنین»؛^(۳) «من بنده خدا و برادر رسول اویم، و من صدیق اکبرم، کسی بعد از من این ادعا را به جز بسیار دروغگو و افترازننده نمی کند. من هفت سال قبل از مردم نماز به جای آوردم.»

۵ - استدلال به انس و نزدیکی با رسول خداصلی الله علیه وآله

الف) از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «كنت فی أيام رسول

ص: ۳۷

۱- ۴۰. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۲۴ و ۱۲۵.

۲- ۴۱. المعارف، ابن قتیبه، ص ۱۶۹؛ الرياض النضرة، طبری، ج ۳، ص ۹۵؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۶۴.

۳- ۴۲. کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۲۲، ح ۳۶۳۸۹؛ المصنف، ابن ابی شیبہ، ج ۷، ص ۴۹۸؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳،

ص ۱۱۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۴، ح ۱۲۰؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۶؛ کامل ابن اثیر، ج ۱، ص ۴۸۴.

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَجُزءٍ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَنْظُرُ إِلَى النَّاسِ كَمَا يَنْظُرُ إِلَى الْكُوكَبِ فِي أَفْقِ السَّمَاءِ ... «(۱)» «من در ایام رسول خداصلی الله علیه وآله همانند جزئی از او بودم، و مردم به من نظر می کردند همان گونه که به ستاره ها در پهنه آسمان می نگریستند ...».

ب) و نیز نقل شده که روز شورا بر اهل آن چنین احتجاج کرد: «نشدتکم باللَّهِ! هل فيكم أحد أقرب إلى رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الرَّحْمِ [مَنْتِي؟ وَ مِنْ جَعَلَهُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَفْسَهُ، وَ أَبْنَاءَهُ أَبْنَاءَهُ، وَ نِسَاءَهُ نِسَاءَهُ، غَيْرِي؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ لَا]» (۲) «شما را به خدا سوگند! آیا در میان شما کسی هست که از من در خویشاوندی به رسول خداصلی الله علیه وآله نزدیک تر باشد؟ و کسی که پیامبرصلی الله علیه وآله او را همانند خود قرار داده و فرزندان او را فرزندان خود و زنان او را زنان خود بداند؟ گفتند: بار خدایا! هرگز.»

ج) و نیز نقل شده که فرمود: «كان لي من رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَدْخَلَانِ: بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ. وَ كُنْتُ إِذَا دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَ هُوَ يَصَلِّي تَنْحَنُّ» (۳) «در دو وقت خدمت رسول خداصلی الله علیه وآله به طور اختصاصی می رسیدم؛ یکی در شب و دیگری در روز. و چون بر او وارد می شدم در حالی که نماز می گذارد صدایی می کرد.»

د) و نیز نقل شده که فرمود: «كانت لي ساعة من السحر ادخل فيها على رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فإِنْ كَانَ قَائِمًا يَصَلِّي سَبَّحَ بِي فَكَانَ ذَاكَ أُذُنِي وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ يَصَلِّي أَذُنِي» (۴) «من يك ساعت اختصاصی از سحر خدمت رسول خداصلی الله علیه وآله می رسیدم، اگر او را در حال نماز می یافتم تسبیح

ص: ۳۸

۱- ۴۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۲۶.

۲- ۴۴. همان، ج ۴۲، ص ۴۳۲.

۳- ۴۵. مسند احمد، ج ۱، ص ۸۰؛ خصائص، نسایی، ص ۱۱۱.

۴- ۴۶. مسند احمد، ج ۱، ص ۷۷؛ خصائص، نسایی، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

می گفت، و این در حکم اجازه پیامبر به من برای وارد شدن بر او بود، و اگر نماز به جای نمی آورد به من اجازه ورود می داد.»

ه) و نیز نقل شده که فرمود: «حسبی حسب النبی صلی الله علیه وآله و دینی دین النبی صلی الله علیه وآله و من نال منی شیئاً فإتماً یناله من النبی صلی الله علیه وآله»؛^(۱) «هویت من همان هویت پیامبر صلی الله علیه وآله و دین من نیز همان دین اوست. و کسی که از من چیزی فرا گرفته در حقیقت به طور حتم از پیامبر صلی الله علیه وآله فرا گرفته است.»

۶- استدلال به وارث علم پیامبر صلی الله علیه وآله بودن

الف) از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «كنت أدخل علی رسول الله صلی الله علیه وآله لیلاً و نهاراً، و كنت إذا سألته أجبني و إن سکتُ ابتدأني، و ما نزلت علیه آیه إلا قرأتها و علمت تفسیرها و تأویلها. و دعا الله لی أن لا أنسى شیئاً علمنی إیاه فما نسیته من حرام ولا حلال و أمر و نهی و طاعة و معصیه. و لقد وضع یده علی صدری و قال: اللهم املأ قلبه علماً و فهماً و حکماً و نوراً. ثم قال لی: أخبرنی ربی عزوجل أنه قد استجاب لی فیک»؛^(۲) «من بر رسول خدا صلی الله علیه وآله شبانه روز وارد می شدم، و چون از او سؤال می کردم مرا جواب می داد و چون ساکت می شدم او ابتدا به سخن می کرد. بر او آیه ای نازل نشد جز آن که آن را قرائت می کردم و تفسیر و تأویلش را می دانستم. و از خدا برای من خواست که هیچ چیزی را که به من تعلیم داده فراموش نکنم، و لذا هیچ حرام و حلال و امر و نهی و طاعت و معصیتی را فراموش نکرده ام. و فرمود: بار خدایا!

ص: ۳۹

۱- ۴۷. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۱۹.

۲- ۴۸. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۸۶؛ انساب الأشراف، ج ۲، ص ۹۸؛ صحیح ترمذی، ج ۳، ص ۱۷۰؛ خصائص نسایی، ص ۱۱۲؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۲۵؛ صواعق المحرقة، ص ۱۲۱؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۲۰.

قلب او را پر از علم و فهم و حکمت و نور گردان. سپس فرمود: خیر داد مرا پروردگارم عزوجل که دعای تو را در مورد من اجابت خواهد کرد.»

ب) از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «وَاللَّهِ اَنْى لِأَخُوهِ وَوَلِيَّهُ وَوَارِثُهُ وَابْنُ عَمِّهِ، فَمَنْ أَحَقُّ بِهِ مَنِّي»؛ (۱)(۲) «به خدا سوگند که من برادر رسول خدا و ولی و وارث و پسر عموی اویم. پس چه کسی سزاوارتر به او از من است.»

ج) از امام علی علیه السلام نیز نقل شده که فرمود: چون آیه «وَوَعَّيْهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ» نازل شد، پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَهَا أُذُنَكَ يَا عَلِيُّ!»؛ (۳) «از خدای عزوجل خواستم که آن را گوش تو قرار دهد ای علی.»

د) از امام علی علیه السلام نقل شده که در احتجاجی فرمود: «نَشَدْتُمْ بِاللَّهِ، أَفِيكُمْ أَحَدٌ دَعَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَهْ فِي الْعِلْمِ وَ إِنْ يَكُونُ أُذُنُهُ الْوَاعِيَهُ مِثْلَ مَا دَعَا لِي؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ لَا!»؛ (۴) «شما را به خدا سوگند آیا در میان شما کسی هست که رسول خدا صلی الله علیه وآله برای او در علم دعا کرده و این که گوش فراگیرنده داشته باشد آن گونه که برای من دعا کرد؟ گفتند: بار خدایا! هرگز.»

ص: ۴۰

۱- ۴۹. خصائص نسایی، ص ۸۶؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۲۶، ح ۴۶۳۵؛ المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۱۷۶.

۲- ۵۰.

۳- ۵۱. کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۷۷.

۴- ۵۲. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۳۲.

استدلال به آیات فضایل

اشاره

ص: ۴۱

الف) از امام علی علیه السلام نقل شده که در احتجاج خود با اصحاب شورا فرمود: «أفيكم أحدٌ كان أعظم غناءً عن رسول الله صلى الله عليه وآله حين اضطجعت على فراشه و وقيته بنفسى و بذلت له مهجه دمي؟ قالوا: اللهم لا»؛^(۱) «آیا در میان شما غیر از من کسی هست که از همه بیشتر حوائج رسول خدا صلی الله علیه و آله را برآورده کرده باشد؟ زمانی که من در رختخواب او خوابیدم و با جانم او را محافظت کرده و خون قلبم را به او هدیه نمودم. عرض کردند: بار خدایا! هرگز.»

ب) و نیز از امام علی علیه السلام نقل شده که در اشعاری فرمود:

وقيت بنفسى خير من وطئ الحصا

و من طاف بالبيت العتيق و بالحجر

رسول اله خاف أن يمكروا به

فنجاه ذو الطول الاله من المكر

و بات رسول الله في الغار آمنا

موقى و فى حفظ الاله و فى ستر

و بت اراعيهم متى ينشرونى

و قد و طنت نفسى على القتل و الأسر»؛^(۲)

ص: ۴۲

۱- ۵۳. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۴۲، ص ۴۳۵؛ مناقب، خوارزمی، ص ۳۱۵.

۲- ۵۴. مستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۴؛ تذکره الخواص، ص ۳۵.

«من با جانم از بهترین کسی که بر روی سنگ ریزه ها گام نهاده حفاظت کردم، و کسی که به دور خانه خدا و حجرالأسود طواف کرده است.

رسول خدا ترسید که حيله ای بر او وارد کنند، لذا خدای بخشنده از حيله نجاتش داد.

رسول خدا در غار با امن و امان شب را تا به صبح آرمید و در حفظ خدا و پناه او بود.

من شب را تا به صبح بیدار بوده و منتظر بودم که چه وقتی مرا قطعه قطعه می کنند، و لذا خودم را برای کشته شدن و اسیری آماده کرده بودم.»

۲- استدلال به آیه «مودت»

ابونعیم اصفهانی به سندش از امام علی علیه السلام نقل کرده که فرمود: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: عليكم بتعلم القرآن و كثره تلاوته، تنالون به الدرجات و كثره عجائبه في الجنة، ثم قال عليّ: و فينا آل حم، انه لا يحفظ مودتنا الا كل مؤمن، ثم قرأ: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ (۱)» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر شما باد به فراگیری قرآن و کثرت تلاوت آن تا به توسط آن به درجات و کثرت عجایبش در بهشت نایل شوید، سپس علی علیه السلام فرمود: و در ماست آل حم، و هرگز مودت ما را حفظ نمی کند مگر مؤمنین، سپس این آیه را قرائت کرد: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى».

ص: ۴۳

۱ - استدلال به سابق بودن در اسلام و ایمان

الف) از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «أنتی کنت أول الناس اسلاماً، بُعث [صلی الله علیه وآله] يوم الاثنين، و صلّیت معه يوم الثلاثاء، و بقیة معه اصلي سبعم سنین، حتی دخل نفر فی الاسلام، و أید الله تعالی دینه من بعد»؛^(۱) «من اولین مسلمان از بین مردم بودم، پیامبر صلی الله علیه وآله روز دوشنبه مبعوث شد و من با او روز سه شنبه نماز گذاردم، و همراه با او هفت سال نماز به جای آوردم، تا عده ای وارد در اسلام شدند و خداوند متعال از آن وقت دینش را تأیید کرد.»

ب) حبه عرنی از امام علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: «انا أول من اسلم مع النبی صلی الله علیه وآله»؛^(۲) «من اول کسی هستم که با رسول خدا صلی الله علیه وآله اسلام آورد.»

ج) از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «أنزلت النبوه علی النبی صلی الله علیه وآله يوم الاثنين و أسلمت غداة يوم الثلاثاء، فكان النبی صلی الله علیه وآله یصلی و أنا إصلي عن یمینه و ما معه أحد من الرجال غیری»؛^(۳) «نبوت بر پیامبر صلی الله علیه وآله روز دوشنبه نازل شد و من صبح روز سه شنبه اسلام آوردم. پیامبر صلی الله علیه وآله

ص: ۴۶

۱- ۵۶. مسند ابویعلی موصلی، ج ۱، ص ۳۲۸، رقم ۴۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۲۰۹، رقم ۵.

۲- ۵۷. تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۴۲، ص ۳۱؛ تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۴۵۶.

۳- ۵۸. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج ۲، ص ۳۰۰.

نماز می خواند و من در طرف راست او نماز می خواندم در حالی که با او کسی غیر از من نبود.»

(د) از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «آمنت قبل الناس سبع سنين»؛^(۱) «من هفت سال قبل از دیگران ایمان آوردم.»

(ه) حبه بن جوین می گوید: «سمعت علیاً صلی الله علیه وآله يقول: عبدت الله مع رسول الله صلی الله علیه وآله قبل أن یعبده رجل من هذه الأمة خمس سنين - أو سبع سنين -»؛^(۲) «از علی علیه السلام شنیدم که می فرمود: خدا را همراه رسول خدا صلی الله علیه وآله عبادت کردم پنج یا هفت سال قبل از آنکه کسی از این امت خدا را عبادت کرده باشد.»

(و) نسایی از امام علی علیه السلام نقل کرده که فرمود: «ما اعرف احداً من هذه الأمة عبد الله بعد نبینا غیری، عبدت الله قبل ان یعبده احد من هذه الأمة تسع سنين»؛^(۳) «کسی از این امت بعد پیامبرش را نمی شناسم که غیر از من خدا را عبادت کرده باشد. من خدا را عبادت کردم نه سال قبل از آنکه از این امت کسی او را عبادت کرده باشد.»

(ز) از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «... أنشدکم بالله العذی لا إله الا هو، أفیکم أحد وخذ الله قبلی؟ قالوا: اللهم لا»؛^(۴) «... شما را به خدایی که جز او خدایی نیست سوگند! آیا در میان شما کسی هست که خداوند را قبل از من به وحدانیت شناخته باشد؟ گفتند: بار خدایا! هرگز.»

(ح) حبه عرنی می گوید: «سمعت علیاً علیه السلام يقول: أنا أول من صلی

ص: ۴۷

۱- ۵۹. خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام، نسایی، ص ۴۶.

۲- ۶۰. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ح ۳۰؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۱۲؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۲۲.

۳- ۶۱. خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۴۷.

۴- ۶۲. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۳۱؛ مناقب خوارزمی حنفی، ص ۳۱۴.

مع النبي صلى الله عليه وآله»؛(۱) «از علی علیه السلام شنیدم که می فرمود: من اولین کسی هستم که همراه با پیامبر صلی الله علیه وآله نماز گذارد.»

ط) عبدالله نجی می گوید: از علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که می فرمود: «صلیت مع رسول الله صلی الله علیه وآله قبل أن یصلی معه أحد من الناس ثلاث سنین»؛(۲) «همراه رسول خدا صلی الله علیه وآله نماز گذاردم سه سال قبل از آنکه کسی از مردم با او نماز گذارد.»

ی) و نیز نقل شده که حضرت علی علیه السلام فرمود: «صلیت مع رسول الله صلی الله علیه وآله کذا و کذا، لا یصلی معه غیری إلا خدیجه»؛(۳) «همراه رسول خدا صلی الله علیه وآله مدتی نماز گذاردم در حالی که با او کسی غیر از خدیجه نماز نمی خواند.»

ص) عباد اسدی می گوید: از علی علیه السلام شنیدم که می فرمود: «... و لقد صلیت قبل الناس سبع سنین»؛(۴) «... من هفت سال قبل از مردم با پیامبر صلی الله علیه وآله نماز گذاردم.»

ل) از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «أنشدکم بالله! هل فیکم أحد صلی لله قبلی و صلی القبلتین قالوا: اللهم لا»؛(۵) «شما را به خدا سوگند! آیا در میان شما کسی هست که برای خدا قبل از من نماز گذارده و به دو قبله نماز خوانده باشد؟ گفتند: بار خدایا! هرگز.»

ص: ۴۸

۱- ۶۳. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۱؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۳؛ خصائص، نسایی، ص ۴۲، رقم ۱.

۲- ۶۴. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۳.

۳- ۶۵. الاستیعاب، حاشیه الاصابه، ج ۳، ص ۳۳؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۲۰.

۴- ۶۶. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۴، رقم ۱۲۰؛ خصائص، نسایی، ص ۴۶؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۲۲، رقم ۳۶۳۸۹؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۱۲.

۵- ۶۷. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۳۱؛ المناقب، خوارزمی حنفی، ص ۳۱۴.

الف) از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «أنا عبد الله و أخو رسول الله ...»؛^(۱) «من بنده خدا و برادر رسول اویم.»

ب) زید بن وهب می گوید: «كنا ذات يوم عند عليّ عليه السلام فقال: أنا عبد الله و أخو رسوله، لا يقولها بعدى إلا كذاب. فقال رجل من غطفان: والله لأقولنّ لكم كما قال هذا الكذاب!! أنا عبد الله و أخو رسوله. قال: فضّرع فجعل يضطرب، فحملة أصحابه ...»؛^(۲) «ما روزی نزد علی علیه السلام بودیم که فرمود: من بنده خدا و برادر رسول اویم، که بعد از من کسی به جز کذاب آن را ادعا نمی کند. شخصی از قبیله غطفان گفت: به خدا سوگند! من می گویم همین را که این کذاب گفت!! من بنده خدا و برادر رسول اویم. راوی گفت: همان وقت او بر زمین خورد و شروع به دست و پا زدن نمود که اصحابش او را برداشتند ...».

ج) ترمذی و دیگران از امام علی علیه السلام نقل کرده اند که فرمود: «أخى رسول الله صلى الله عليه وآله بين أصحابه، فقلت: يا رسول الله! أخيت بين أصحابك و تركتني فرداً لا أخ لي؟! فقال: إنّما اخترتك لنفسى، أنت أخى فى الدنيا و الآخرة، و أنت منى بمنزله هارون من موسى ...»؛^(۳) «رسول خدا صلی الله علیه وآله بین اصحابش عقد اخوت بست. عرض کردم: ای رسول خدا! بین اصحابت عقد اخوت بستی ولی مرا تنها بدون برادر گذاشتی؟»

ص: ۴۹

۱- ۶۸. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۴، رقم ۱۲۰؛ خصائص نسایی، ص ۴۶، رقم ۶؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۱۲.

۲- ۶۹. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۶۱؛ خصائص، نسایی، ص ۸۷؛ عقد الفرید، ج ۴، ص ۳۱۲؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۲۹.

۳- ۷۰. صحیح ترمذی، ج ۳، ص ۱۶۹؛ صواعق المحرقة، ص ۱۲۰؛ السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۹۱.

پیامبر فرمود: همانا تو را برای خود انتخاب کردم، تو برادر من در دنیا و آخرت هستی و تو نزد من به منزله هارون نزد موسی می باشی.»

د) از امام علی علیه السلام نقل شده که در احتجاج خود بر اهل شورا فرمود: «أُنشِدْكُمْ بِاللَّهِ! أَفِيكُمْ أَحَدٌ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ غَيْرِي؟ إِذْ أَخِي بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ فَأَخِي بَيْنِي وَبَيْنَ نَفْسِهِ، وَجَعَلَنِي مِنْهُ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنِّي لَسْتُ نَبِيًّا؟ قَالُوا: لَا؛» (۱) «شما را به خدا سوگند! آیا در میان شما کسی هست به جز من که برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد؟ آن زمان که بین مؤمنان عقد اخوت بست و بین من و خودش نیز عقد برادری بست و مرا نزد خود به منزله هارون نزد موسی قرار داد جز آن که من پیامبر نیستم؟ گفتند: هرگز.»

ص: ۵۰

الف) از امام علی علیه السلام نقل شده که در احتجاج خود با قوم فرمود: «نشدتکم باللّه! أفيكم أحد أحبّ إلى الله و إلى رسوله مني، ... و يوم الطائر إذ يقول: اللهم ائتنى بأحبّ خلقك إليك يأكل معي. فجئت فقال: اللهم و إلى رسولك، اللهم و إلى رسولك، غيري؟ قالوا: اللهم لا!» (۱) «شما را به خدا سوگند! آیا در میان شما کسی هست که نزد خدا و رسولش از من محبوب تر باشد؟ ... و روز پرنده آن زمان که فرمود: بار خدایا! محبوب ترین خلقت را نزد من بفرست تا همراه من از آن پرنده تناول کند. من آمدم، حضرت فرمود: بار خدایا! به سوی رسولت! بار خدایا به سوی رسولت؟، غیر از من؟ گفتند: بار خدایا! هرگز.»

ب) و نیز از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «أهدى لرسول الله صلى الله عليه وآله طير يقال له الجباري فوضعت بين يديه - و كان أنس بن مالك يحجبه - فرفع النبي صلى الله عليه وآله يده إلى الله ثم قال: اللهم ائتنى بأحبّ خلقك إليك يأكل معي من هذا الطير. قال: فجاء عليّ فاستأذن فقال له أنس: إنّ رسول الله صلى الله عليه وآله يعني عليّ حاجه. فرجع، ثم دعا رسول الله صلى الله عليه وآله [الثانيه فجاء عليّ فاستأذن فقال انس: إنّ رسول الله صلى الله عليه وآله عليّ حاجه] فرجع. ثم دعا الثالثه فجاء عليّ فأدخله، فلما رآه رسول الله صلى الله عليه وآله قال: اللهم والي. فأكل معه. فلما اكل رسول الله صلى الله عليه وآله خرج عليّ. قال أنس: اتبعت علياً فقلت: يا أبا حسن! استغفر لي فإنّ لي إليك ذنباً و إنّ عندى بشاره. فأخبرته بما كان من النبي صلى الله عليه وآله فحمد الله و استغفر لي و رضى عني أذهب ذنبي عنده بشارتي إياه» (۲) «برای رسول خداصلی الله علیه و آله پرنده ای به نام جباری هدیه آورده و نزد او گذاردند. در آن هنگام انس بن مالک دربان حضرت بود. پیامبرصلی الله علیه و آله دستان خود را به سوی خداوند بلند کرده عرض نمود: بار خدایا! محبوب ترین خلقت به سوی تو را نزد من بفرست تا با من از این پرنده بخورد. راوی می گوید: علی علیه السلام آمد و اجازه گرفت، ولی انس گفت: رسول خداصلی الله علیه و آله مشغول کاری است و حضرت بازگشت. بار دوم پیامبرصلی الله علیه و آله دعا کرد، حضرت علی علیه السلام آمد و اجازه خواست، انس گفت: پیامبرصلی الله علیه و آله مشغول کاری است. بار سوم پیامبرصلی الله علیه و آله دعا کرد، علی علیه السلام آمد و این بار او را راه داد. و چون حضرت صلی الله علیه و آله او را دید فرمود: بار خدایا! نزد من آی. و حضرت علی علیه السلام همراه پیامبرصلی الله علیه و آله آن غذا را خوردند. بعد از صرف غذا حضرت علی علیه السلام از منزل خارج شد. انس می گوید: من به دنبال او رفتم و عرض کردم! ای ابوالحسن! از تقصیر من

۱- ۷۲. تاریخ دمشق، ج ۴۲؛ ص ۴۳۲؛ مناقب، خوارزمی، ص ۳۱۴.

۲- ۷۳. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۴۵.

در گذر؛ زیرا که در حق تو گناهی انجام داده ام ولی برای تو بشارتی دارم، و آنچه را که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او سه بار فرموده بود بازگو کردم. حضرت علی علیه السلام خدا را سپاس گفته و برای من استغفار نمود و به جهت بشارتی که به او دادم از من راضی شد.»

۴ - استدلال به حدیث «رایه»

از امام علی علیه السلام نقل شده که در احتجاج خود با قوم فرمود: «نشدتکم باللّٰه! أفیکم أحد أحبّ إلى الله و إلى رسوله منّی، إذ دفع الرايه إلى یوم خیبر فقال: لأعطین الرايه إلى من یحبّ الله و رسوله و یحبّه الله و رسوله؟ ... قالوا: اللّٰهم لا»؛ (۱) «شما را به خدا سوگند! آیا در میان شما کسی هست که نزد خدا و رسولش از من محبوب تر باشد آن زمان که پرچم را در روز خیبر به من سپرد و فرمود: آن را به دست کسی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد و او نیز خدا و رسولش را دوست دارد؟ ... گفتند: بار خدایا! هرگز.»

۵ - استدلال به حدیث «سدّ ابواب»

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «إنّ موسی سأل ربّه أن یطهّر مسجده بهارون و إنّی سألت ربّی أن یطهّر مسجدی بک و بذریّتک، ثم أرسل إلى أبی بکر: أن سدّ بابک، فاسترجع ثم قال: سمعاً و طاعه، فسدّ بابه: ثم أرسل إلى عمر، ثم أرسل إلى العباس بمثل ذلک، ثم قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ما أنا سدّدت أبوابکم و فتحت باب علیّ، و لکنّ الله فتح باب

ص: ۵۲

علی و سَدَّ ابوابکم»؛^(۱) «همانا موسی از پروردگارش خواست تا مسجدش را برای هارون پاک گردانند، و من هم از پروردگارم خواسته ام تا مسجدم را برای خود و ذریه ام پاک کند. آن گاه کسی را نزد ابوبکر فرستاد که درب خانه اش را [به سوی مسجد] ببندد ابوبکر کلمه استرجاع [اَنَا لِلَّهِ وَاَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ] را بر زبان جاری ساخت سپس گفت: گوش داده و اطاعت می کنم، و لذا درب خانه اش را بست. آن گاه کسی را نزد عمر و کس دیگری را به نزد عباس فرستاد تا درب خانه خود را به طرف مسجد ببندند. سپس فرمود: من درب خانه های شما را نبستم و درب خانه علی را باز نگذاشتم، بلکه خدا بود که درب خانه علی را باز گذاشته و درب های شما را بست.»

۶- استدلال به مجاهده در راه خدا

الف) از امام علی علیه السلام نقل شده که در احتجاج خود روز شورا فرمود: «أفیکم أحد کان أقتل لمشرکی قریش عند کلّ شدیدة تنزل برسول اللّٰه صلی الله علیه وآله منّی؟ قالوا: اللّٰهم لا»؛^(۲) «آیا در میان شما کسی هست که از من بیشتر مشرکان قریش را هنگامی که شاید بر رسول خدا صلی الله علیه وآله نازل می شد، کشته باشد؟ گفتند: بار خدایا! هرگز.»

ب) و نیز نقل شده که فرمود: «لَمَّا انهزم الناس یوم احد عن رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله لحقنی من الجزع علیه ما لم أملك نفسی، و کنت أمامه أضرب بسیفی بین یدیه، فرجعت أطلبه فلم اره، فقلت: ما کان رسول اللّٰه لیفرّ، و ما رأیته فی القتلی، و اظنه رُفِع من بیننا الی السماء، فکسرت جفن»

ص: ۵۳

۱- ۷۵. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۴؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۷۵.

۲- ۷۶. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۳۴؛ مناقب، خوارزمی، ص ۳۱۴.

سیفی، و قلت فی نفسی لأقاتلنَّ به عنه حتی أقتل، و حملت علی القوم، فأفرجوا، فإذا أنا برسول الله صلی الله علیه وآله قد وقع علی الأرض مغشياً علیه، فقامت علی رأسه، فنظر الیّ و قال: ما صنع الناس یا علیّ؟

فقلت: کفروا یا رسول الله! و ولّوا الدبر من العدو و اسلموكم. فنظر النبی صلی الله علیه وآله الی کتیبه قد أقبلت إلیه، فقال لی: رُدَّ عَنّی یا علی هذه الکتیبه. فحملت علیها بسیفی، أضربها یمینا و شمالاً حتی ولّوا الأدبار. فقال لی النبی صلی الله علیه وآله: أما تسمع یا علیّ مدیحک فی السماء، إنّ ملکاً یقال له رضوان ینادی: لا سیف إلا ذوالفقار و لا فتی إلا علیّ. فبکیت سروراً، و حمدت الله سبحانه علی نعمته؛^(۱) «چون مردم در جنگ احد از دور رسول خدا صلی الله علیه وآله پراکنده شدند چنان به جزع و تعب افتادم که نتوانستم خود را کنترل نمایم. من در جلوی پیامبر بودم و با شمشیرم در مقابل حضرت از او دفاع می کردم. برگشتم و او را دنبال کردم ولی او را ندیدم. با خود گفتم: هرگز رسول خدا صلی الله علیه وآله فرار نمی کرد و او را در بین کشته ها نیافتم، و گمان کردم که از میان ما به سوی آسمان رفته است. روکش شمشیرم شکست و با خود گفتم در راه او می جنگم تا کشته شوم و لذا بر آنان حمله کردم تا راه را باز نمودم، که ناگاه رسول خدا صلی الله علیه وآله را مشاهده کردم که بر زمین افتاده و بیهوش شده است. بر بالین سر او ایستادم. حضرت به من نظر کرد و فرمود: مردم چه کردند ای علی؟!»

عرض کردم: کافر شدند ای رسول خدا! آن ها به جنگ پشت کرده و تو را تسلیم دشمن نمودند، پیامبر صلی الله علیه وآله نظرش به گروهی از دشمن افتاد که به سوی او می آیند، به من فرمود: ای علی آنان را از من دور کن. من با

ص: ۵۴

۱- ۷۷. مسند ابی یعلی موصلی، ج ۱، ص ۴۱۵، رقم ۵۴۶؛ اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۱؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۲۶.

شمشیرم بر آنان از طرف راست و چپ حمله کردم و همگی را فراری دادم. پیامبر صلی الله علیه وآله به من فرمود: ای علی! آیا مدحت را در آسمان می شنوی؟ ملکی به نام " رضوان " صدا می زند: شمشیری به جز ذوالفقار نیست و جوان مردی به جز علی نمی باشد. من از شادی گریستم و خدا را بر نعمتش شکر گذاردم.»

۷- استدلال به بت شکن بودن

ابو مریم نقل کرده که علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «انطلقت أنا و النبی صلی الله علیه وآله حَتَّى أتینا الکعبه، فقال لی رسول الله صلی الله علیه وآله: اجلس و صعد علی منکبى فذهبت لأنهض به فرأى منى ضعفاً، فنزل و جلس لی نبی الله صلی الله علیه وآله و قال: اصعد علی منکبى. قال: فصعدت علی منکبیه. قال: فنهض بی. قال: فانه یخيل الیّ انی لو شئت لثلت أفق السماء حتی صعدت علی البیت و علیه تمثال صفر أو نحاس فجعلت ازاوله عن یمینه و عن شماله و بین یدیه و من خلفه حتی إذا استمكنت منه. قال لی رسول الله صلی الله علیه وآله: اقذف به فقذفت به فتکسر کما تتکسر القواریر ثم نزلت فانطلقت أنا و رسول الله صلی الله علیه وآله نستبق حتی توارینا بالبیوت خشیه ان یلقانا أحد من الناس»؛^(۱) «من و پیامبر صلی الله علیه وآله حرکت کرده تا به [کنار] کعبه رسیدیم. رسول خدا صلی الله علیه وآله به من فرمود: بنشین، آنگاه بر دوش من سوار شد، من خواستم که برخیزم حضرت در من ضعفی مشاهده کرد لذا پایین آمد و برای من نشست و فرمود: بر دوشم بالا برو. می فرماید: بر دوش حضرت بالا رفتم و او مرا بالا برد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: به گمانم آمد که اگر بتوانم می توانم به افق آسمان برسم تا اینکه بر روی

ص: ۵۵

۱- ۷۸. مسند احمد، ج ۱، ص ۸۴؛ السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۸۶؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۷۱.

بام کعبه رفتیم در حالی که بر آن تمثال هایی از طلا و مس بود. آن ها را به طرف راست و چپ انداخته و جلو و عقب نمودم تا اینکه بر آن ها مسلط شدم. پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: آن ها را خرد کن. من شروع به شکستن آن ها همانند کوزه نمودم و سپس پایین آمدم، و با رسول خدا صلی الله علیه و آله در فرار کردن مسابقه گذاشتم تا اینکه در خانه ها مخفی شدیم تا کسی ما را مشاهده نکند.»

۸ - استدلال به حدیث «نور»

از امام علی علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خلقت انا و علی من نور واحد»؛ (۱) «من و علی از یک نور آفریده شده ایم.»

۹ - استدلال به ابلاغ سوره براءت

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «لَمَّا نزلت عشر آیات من براءه علی النبی صلی الله علیه و آله دعا النبی صلی الله علیه و آله أبابکر فبعثه بها ليقراها علی أهل مکة، ثم دعانی النبی صلی الله علیه و آله فقال لی: أدرك أبابکر. فحيث لقيته فخذ الكتاب منه، فأذهب به إلى أهل مکة فاقرأه عليهم.»

فلحقته بالجحفه و أخذت الكتاب منه و رجع أبوبکر إلى النبی صلی الله علیه و آله فقال: يا رسول الله! نزل فی شیء؟ قال: لا ولكن جبریل جاءنی فقال: لن يؤدی عنک إلا أنت أو رجل منک»؛ (۲) «چون ده آیه از سوره براءت بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد حضرت ابابکر را خواست و او را با آن آیه ها

ص: ۵۶

۱- ۷۹. موده القربی، مودت هشتم.

۲- ۸۰. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۴۸؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۱۵۱؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۴۶؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص

فرستاد تا بر اهل مکه بخواند. سپس مرا خواست و فرمود: ابوبکر را دریاب، و چون او را ملاقات کردی نامه را از او بگیر و خودت آن را برای اهالی مکه ببر و برای آنان قرائت کن. حضرت علی علیه السلام می فرماید: من به دنبال ابوبکر رفته و او را در جحفه یافتم و نامه را از او گرفتم.

ابوبکر به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله بازگشت و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا درباره من چیزی نازل شده است؟ حضرت فرمود: هرگز، ولی جبرئیل نزد من آمد و فرمود: این آیات را تنها تو و یا مردی مثل تو می تواند ابلاغ نماید.»

۱۰ - استدلال به محوریت محبت او در ایمان

زرّ بن حبیش می گوید: «سمعت علیاً یقول: والذی فلق الحبه و برأ النسمه إنّه لعهد النبّی صلی الله علیه و آله إلیّ أن لا یحبّک إلاّ مؤمن و لا یغضک إلاّ منافق»؛ (۱) «امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب را بر بالای منبر مشاهده کردم و شنیدم که می فرمود: قسم به کسی که دانه را شکافت و عالم را خلق کرد! این عهدهی است از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله به من که تو را جز مؤمن دوست ندارد، و نیز به جز منافق تو را دشمن ندارد.»

۱۱ - استدلال به برتری خویش

الف) متقی هندی به سندش از امام علی علیه السلام نقل کرده که فرمود:

ص: ۵۷

۱- ۸۱. مسند احمد، ج ۱، ص ۸۴؛ صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۳۰۶؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۷۱؛ انساب الأشراف، ج ۲، ص ۹۷؛ خصائص، نسایی، ص ۱۰۴؛ مسند ابی یعلی موصلی، ج ۱، ص ۲۵۱، رقم ۲۹۱؛ صحیح مسلم، کتاب الایمان، ج ۱، ص ۶۱.

«أنا أتفاكم لله و أعلمكم لحدود الله»؛^(۱) «من باتقواترين شما از خدا و داناترين شما نسبت به حدود اويم.»

ب) ابن ابی الحديد چنین نقل کرده است: «جاؤا بعلی و معها بنو هاشم، و علی یقول: أنا عبدالله و أخو رسول الله صلی الله علیه و آله، حتی انتهوا به إلى أبي بكر فقیل له: بايع، فقال: أنا أحق بهذا الأمر منكم، لا أبایعکم و أنتم أولى بالبیعه لی ...»؛^(۲) «علی علیه السلام را همراه بنی هاشم آوردند در حالی که می فرمود: من بنده خدا و برادر رسول اویم، تا این که او را نزد ابوبکر بردند، به او گفته شد: بیعت کن، فرمود: من از شما به امر خلافت سزاوارترم، با شما بیعت نمی کنم بلکه شما سزاوارتر به بیعت با من هستید ...».

ج) متقی هندی از امام علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «بايع الناس لأبي بكر و أنا - والله - أولى بالأمر منه، و أحق به منه، فسمعت و أطعت مخافة أن يرجع الناس كفاراً»؛^(۳) «مردم با ابوبکر بیعت کردند در حالی که - به خدا سوگند - من سزاوارتر و مستحق تر از او به امر خلافت بودم، ولی شنیدم و اطاعت کردم چرا که ترسیدم که مردم به کفر برگردند.»

د) ابن ابی الحديد درباره قصه شورا می نویسد: «أن عمر لمّا قال: كونوا مع الثلاثة التي عبدالرحمن فيها، قال ابن عباس لعلی علیه السلام: ذهب الأمر منّا، الرجل يريد أن يكون الأمر في عثمان، فقال علی علیه السلام: و أنا أعلم ذلك، ولكنني أدخل معهم في الشورى؛ لأن عمر قد أهلني الآن للخلافه، و كان قبل ذلك يقول: إن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: إن النبوه و الامام

ص: ۵۸

۱- ۸۲. کنز العمال، ج ۱۱، ص ۴۱۹، ح ۳۱۹۶۴.

۲- ۸۳. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۱.

۳- ۸۴. کنز العمال، ج ۵، ص ۷۲۴، ح ۱۴۲۴۳.

ه لا- يجتمعان في بيت، فأنا أدخل في ذلك لأظهر للناس مناقضه فعله لروايته»؛^(۱) «عمر چون که گفت: با سه نفری باشید که عبدالرحمن در آن ها هست، ابن عباس به علی علیه السلام عرض کرد امر خلافت از دست ما رفت، او می خواهد که خلافت به عثمان برسد. علی علیه السلام فرمود: من این مطلب را می دانم ولی به این جهت داخل شورا شدم که دیدم عمر الآن مرا اهل برای خلافت می داند در حالی که قبل از آن می گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: نبوت و امامت در یک خانه جمع نمی شود. من داخل آن شدم تا به مردم بفهمانم عملکرد عمر با روایتش تناقض دارد.»

ص: ۵۹

۱- ۸۵. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۸۹.

صفات و خصائص پیروان غدیر

اشاره

ص: ۶۱

صفات و خصایص پیروان غدیر

برخی ادعا می کنند که ما شیعه امام علی علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام هستیم ولی در عمل از آن حضرات چندان پیروی نمی کنند و تنها به حرف دل خوش کرده اند. مخالفان از ادیان و مذاهب دیگر هنگامی که به اعمال مدعیان تشیع نگاه می کنند به تشیع بدبین شده و از آن اعلان تنفر می نمایند، خیال می کنند که تشیع همین اعمالی است که در اشخاص مدعیان آن تبلور یافته است، در حالی که این چنین نیست، شیعه آن گونه که امامان شیعه فرموده اند، خصوصیات و صفاتی دارد که برخی از آنان در اصل مسلمان بودن او دخیل بوده و برخی نیز دلالت بر کمال او دارد. شیعه واقعی و کامل کسی است که در تمام صفات حسنه، بارز و نمونه باشد. در این بخش به ذکر صفات و خصوصیات که در کلمات اهل بیت علیهم السلام برای شیعیانشان آمده می پردازیم.

صفات پیروان غدیر

۱ - عن الامام الصادق علیه السلام: «شیعتنا اهل الورع والاجتهاد، واهل الوفاء والأمانة، واهل الزهد والعبادة، اصحاب احدی وخمسين ركعه فی اليوم واللیل، القائمون باللیل، الصائمون بالنهار، یزکون اموالهم، ویحجون

ص: ۶۲

البيت، ويجتنبون كلَّ محرّم»؛^(۱) امام صادق عليه السلام فرمود: «شیعیان ما اهل ورع و کوشش و اهل وفا و امانت داری و اهل زهد و عبادتند. شبانه روز پنجاه و یک رکعت نماز می خوانند، (یعنی غیر از نمازهای واجب، نوافل را نیز انجام می دهند). آن ها شب را به عبادت پرداخته و روزها را روزه دارند. زکات اموال خود را می پردازند و حج به جا آورده و از هر کار حرامی پرهیز می کنند».

۲ - وعنه عليه السلام: «شیعتنا من قدّم ما استحسن وامسک ما استقبح، و اظهر الجمیل، و سارع بالامر الجلیل، رغبه الی رحمه الجلیل، فذلک منّا والینا ومعنا حیثما کنا»؛^(۲) و نیز فرمود: «شیعیان ما کسانی هستند که پیشتاز در کارهای خوب بوده و از کارهای قبیح خودداری می نمایند، کارهای زیبا را آشکار کرده و نسبت به امر جلیل سرعت می نمایند، و این به جهت رغبت به رحمت جلیل است، این چنین شخصی از ما است و به سوی ما منسوب بوده و با ما است، هر کجا که ما هستیم».

۳ - وعن الامام الباقر علیه السلام: «ما شیعتنا الا من اتقى الله وأطاعه، وما كانوا يعرفون الا بالتواضع والتخشع وأداء الأمانة وكثرة ذکر الله»؛^(۳) «امام باقر علیه السلام فرمود: «شیعیان ما فقط کسانی هستند که خدا ترس بوده و او را اطاعت کنند. آنان معروف به تواضع و خشوع و ادای امانت و کثرت یاد خدایند».

۴ - وعنه عليه السلام ايضاً: «انما شيعه عليّ من عفّ بطنه وفرجه، واشتدّ

ص: ۶۳

۱- ۸۶. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۶۷، ح ۲۳.

۲- ۸۷. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۶۹، ح ۲۹.

۳- ۸۸. تحف العقول، ص ۲۹۵.

جهاده، وعمل لخالقه، ورجاء ثوابه، وخاف عقابه، فاذا رأيت اولئك فاولئك شيعه جعفر»؛^(۱) امام صادق عليه السلام فرمود: «همانا شيعه على كسى است كه شكّم و فرج او عفيف بوده و در جهاد ثابت قدم باشد. تنها برای خالقش كار كند و اميد ثواب او را داشته و از عقاب او خائف باشد. هر گاه چنين اشخاصى را ديدى آن ها شيعه جعفرند».

۵ - وعنه عليه السلام: «انما شيعتنا يعرفون بخصال شتى: بالسخاء والبذل للإخوان و بأن يصلّوا الخمسين ليلاً ونهاراً»؛^(۲) «و نیز فرمود: «همانا شيعيان ما به خصلت هاى چند شناخته مى شوند؛ سخاوت و بخشش نسبت به برادران، و به اين كه پنجاه ركعت نماز در شبانه روز مى خوانند».

۶ - وعن الامام الباقر عليه السلام: «لاتذهب بكم المذاهب، فوالله ما شيعتنا الا من اطاع الله عزوجل»؛^(۳) امام باقر عليه السلام فرمود: «مذاهب گوناگون شما را به بيراهه نبرند، به خدا سوگند! شيعيان ما تنها كسانى هستند كه خداوند عزوجل را اطاعت مى كنند».

۷ - وعن الامام على عليه السلام: «شيعتنا المتبادلون فى ولايتنا، المتحابون فى مودتنا المتراورون فى احياء امرنا، الذين ان غضبوا لم يظلموا، وان رضوا لم يسرفوا، بر كه على من جاوروا، سلم لمن خالطوا»؛^(۴) امام على عليه السلام فرمود: «شيعيان ما كسانى هستند كه در راه ولايت ما از خود بذل و بخشش نشان مى دهند، و در راه مودت ما همديگر را دوست دارند. به

ص: ۶۴

۱ - ۸۹. كافي، ج ۲، ص ۲۳۳.

۲ - ۹۰. تحف العقول، ص ۳۰۳.

۳ - ۹۱. كافي، ج ۲، ص ۷۳، ح ۱.

۴ - ۹۲. كافي، ج ۲، ص ۲۳۶، ح ۲۴.

جهت زنده نگهداشتن امر ما به زیارت یکدیگر می روند. در حال غضب به کسی ظلم نمی کنند، و در صورت رضا اسراف نمی نمایند. برای همسایگان خود مایه برکتند، و با کسانی که معاشرت می کنند پیام آوران صلح و صفا و صمیمیتند».

۸- وعن الامام علی علیه السلام: «شیعتنا هم العارفون بالله، العاملون بأمر الله، أهل الفضائل، الناطقون بالصواب، مأکولهم القوت، وملبسهم الاقتصاد، ومشيهم التواضع ...»؛^(۱) و نیز فرمود: «شیعیان ما همان عارفان به خدا و عمل کنندگان به امر خدایند. آنان اهل فضایل و ناطقان به صوابند. به اندازه قوت خود می خورند، و در پوشش میانه رو بوده و هنگام راه رفتن متواضع اند ...».

۹- عن عبدالله بن زیاد؛ قال: سلّمنا علی ابی عبدالله علیه السلام بمنی، ثم قلت: یا بن رسول الله! انا قوم مجتازون لسنا نطيق هذا المجلس منك کلما أردناه، فأوصنا؟ قال: علیکم بتقوی الله، وصدق الحدیث، واداء الأمانة وحسن الصحبه لمن صحبکم، وافشاء السلام، و اطعام الطعام، صلّوا فی مساجدهم، وعودوا مرضاهم، واتبعوا جنازهم، فانّ ابی حدثنی: انّ شیعتنا اهل البيت كانوا خیار من كانوا منهم، ان كان فقیه کان منهم، وان كان امام کان منهم، وكذلك (کونوا) احبونا الی الناس ولا تبغضونا الیهم؛^(۲) عبدالله بن زیاد می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام در سرزمین منی رسیدم، بعد از سلام، به حضرت عرض کردم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه وآله!

ص: ۶۵

۱- ۹۳. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۹، ح ۹۶.

۲- ۹۴. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۱۳، ح ۹۵۳۰.

ما جماعتی هستیم که همیشه توفیق شرفیابی خدمت شما را نداریم، ما را سفارش و وصیت نما. حضرت فرمود: «بر شما باد به تقوای الهی، و راستی در گفتار و ادای امانت، و با کسانی که هم صحبت می شوید معاشرت خوب داشته باشید. بلند به یکدیگر سلام کرده و اطعام دهید. در مساجد آن ها - اهل سنت - نماز به جای آورده و مریضان آنان را عیادت کرده و در تشییع جنازه آن ها شرکت نمایید؛ زیرا پدرم مرا حدیث فرمود که همانا شیعیان ما اهل بیت، بهترین مردم اند، اگر در میان آن ها فقیهی وجود دارد از آن هاست و اگر امامی وجود دارد از میان آن ها است، شما نیز این چنین باشید. کاری کنید که محبت مردم را به ما جلب نمایید نه آن که کاری کنید که مردم به ما بدبین شوند و بغض ما را در دل بگیرند».

۱۰ - وهی حدیث عن الامام الكاظم عليه السلام: «... أما شيعه عليّ من صدق قوله فعله»؛ (۱) امام کاظم علیه السلام فرمود: «... همانا شیعه علی کسی است که قول او فعلش را تصدیق نماید».

۱۱ - وعن الامام الصادق عليه السلام: «لو انّ شيعتنا استقاموا لصفحتهم الملائكة، ولأظلم الغمام، ولأشرقوا نهاراً، ولأكلوا من فوقهم ومن تحت أرجلهم، ولما سألوا الله شيئاً إلاّ أعطاهم»؛ (۲) امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر شیعیان ما استقامت می کردند ملائکه با آن ها مصافحه می کردند و ابرها بر سرشان سایه می افکند، و در روز تحت اشراق انوار الهی بوده و از بالای سرشان و از زیر پاهایشان منتعم به نعمت های خداوند بودند، و از

ص: ۶۶

۱- ۹۵. کافی، ج ۸، ص ۲۲۸، ح ۲۹۰.

۲- ۹۶. تحف العقول، ص ۳۰۲.

خداوند هر چیزی را که سؤال و خواهش می کردند به آن ها عطا می نمود».

۱۲ - زید شحام می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «به هر کس از شما که مطیع من است و از من دستور می گیرد، سلام برسان. من شما را به تقوای خداوند عزوجل و ورع در دینتان و کوشش برای خدا و صدق گفتار و ادای امانت و سجده طولانی و معاشرت خوب با همسایگان، دعوت می نمایم. محمدصلی الله علیه و آله برای این امور به سوی مردم فرستاده شد. کسانی که شما را امین خود دانسته و چیزی را نزد شما به امانت گذارده اند، حق امانت را رعایت کنید چه خوب باشد و چه بد؛ زیرا رسول خداصلی الله علیه و آله همیشه امر می نمود به ادای نخ و پارچه خیاطی شده. از عشیره خود صله رحم نمایید، و در تشییع جنازه آن ها حاضر شوید. مریض های آن ها را عیادت کنید و حقوق آنان را بپردازید. هر یک از شما که در دین خود ورع داشته و راستگو بوده و ادای امانت نماید و با مردم خوش رفتار باشد، گفته می شود این شیعه جعفری است، این امر مرا خشنود ساخته و گفته می شود این ادب جعفری است. به خدا سوگند! هر آینه حدیث گفت مرا پدرم: همانا شخصی از شیعیان علی در میان قبیله خود زینت آنان است، از همه بهتر امانت دار بوده و به جا آورنده حقوق و راستگوترین مردم در گفتار است. وصیت های مردم و امانت های آنان نزد اوست. در بین عشیره از او سؤال می شود و می گویند: چه کسی مثل فلانی است؟ او از همه بهتر امانت دار بوده و از همه راستگوتر در گفتار است».(۱)

ص: ۶۷

۱ - وعن الامام الباقر عليه السلام - لبعض اصحابه لما ذكر عنده كثره الشيعة: - «هل يعطف الغني على الفقير؟ ويتجاوز المحسن عن المسيء؟ ويتواسون؟ قلت: لا، قال: ليس هؤلاء الشيعة، الشيعة من يفعل هكذا»؛^(۱) شخصی خدمت امام باقر عليه السلام از كثرت و فراوانی شیعه سخن به میان آورد، حضرت به او فرمود: «آیا غنی آن ها بر فقیر عطفوت دارد؟ آیا نیکوکار از گنه کار می گذرد؟ و آیا نسبت به یکدیگر مواسات و برابری و برادری دارند؟ راوی می گوید: عرض کردم: خیر. حضرت فرمود: اینان شیعه به حساب نمی آیند، شیعه کسی است که چنین کند».

۲ - عن محمد بن عجلان قال: «كنت عند ابي عبد الله فدخل رجل فسلم، فسأله كيف من خلفت من اخوانك؟ قال: فأحسن الثناء وزكّي وأطري. فقال له: كيف عياده أغنيائهم على فقرائهم؟ فقال: قليله، قال: فكيف صلة أغنيائهم لفقرائهم؟ قال: قليله، قال: وكيف مشاهده لفقرائهم في ذات أيدئهم؟ فقال: أنك لتذكر اخلاقاً قلّ ما هي فيمن عندنا، قال: فقال: فكيف تزعم هؤلاء أنّهم شيعة»؛^(۲) محمد بن عجلان می گوید: «خدمت امام صادق علیه السلام بودم که شخصی وارد شد و سلام کرد. حضرت از او پرسید: برادران تو چگونه اند؟ او شروع به ستایش و تعریف از آنان نمود. حضرت به او فرمود: چگونه است عیادت اغنیا از فقرا؟ او در جواب گفت: کم است. حضرت فرمود: چگونه است مشاهده اغنیا نسبت به فقرا؟ عرض کردم: کم است. حضرت فرمود: چگونه است بخشش

ص: ۶۸

۱- ۹۸. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۱۳، ح ۶۹.

۲- ۹۹. کافی، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۱۰.

اغنيا نسبت به فقرائشان نسبت به آنچه که در دست دارند؟ او در جواب عرض کرد: شما از اخلاقی سؤال می نمایید که کمتر در میان مردم ما وجود دارد. حضرت فرمود: پس تو چگونه گمان می کنی که آن ها شیعه اند».

این ها پیروان واقعی غدیر نیستند!!

۱ - عن الامام الصادق عليه السلام: «ليس من شيعتنا من قال بلسانه وخالفنا في أعمالنا و آثارنا»؛(۱) امام صادق عليه السلام فرمود: «از شیعیان ما نیست کسی که به زبان خود چیزی بگوید ولی در اعمال و آثار با ما مخالفت کند».

۲ - وعنه عليه السلام ايضاً: «يا شيعه آل محمد! انه ليس منّا من لم يملك نفسه عند الغضب، ولم يحسن صحبه من صحبه، ومرافقه من رافقه، ومصالحه من صالحه ...»؛(۲) و نیز فرمود: «ای شیعیان آل محمد! از ما نیست کسی که هنگام غضب خود را حفظ نکند، و با کسی که همنشین می شود خوش زبان نبوده و با او مدارا ننماید و با کسی که تقاضای صلح کرده مصالحه نکند ...».

۳ - وعنه عليه السلام ايضاً: «ليس من شيعتنا من يكون في مصر يكون فيه آلاف ويكون في المصر أروع منه»؛(۳) «از شیعیان ما نیست کسی که اگر در شهری هزاران نفر است در بین آن ها باورع تر از او وجود داشته باشد».

ص: ۶۹

۱- ۱۰۰. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۶۴، ح ۱۳.

۲- ۱۰۱. تحف العقول، ص ۳۸۰.

۳- ۱۰۲. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۶۴، ح ۱۳.

۴ - وعنه عليه السلام ايضاً: «قوم يزعمون أنّي امامهم، واللّه ما أنا لهم بامام، لعنهم اللّه ما كلّما سترت سترّاً هتكوه، أقول: كذا وكذا، يقولون: أنّما يعني كذا وكذا، أنّما أنا الامام من أطاعني»؛^(۱) «و نیز فرمود: «گروهی گمان می کنند که من امام آنانم، به خدا سوگند که من امام آن ها نیستم، خدا آن ها را لعنت کند، هر پوششش را که مستور کردم دریدند، من می گویم: چنین و چنان، آنان می گویند: مقصود او چنین و چنان است، همانا من امام کسی هستم که مرا اطاعت کند».^(۲)

۵ - وعن الامام العسكري عليه السلام: قال رجل لرسول اللّه صلى الله عليه وآله: فلان ينظر الى حرم جاره و ان أمكنه موقعه حرام لم يدع عنه، فغضب رسول اللّه صلى الله عليه وآله وقال: ايتوني به، فقال رجل آخر يا رسول اللّه! أنّه من شيعتكم ممّن يعتقد موالاتك وموالاه عليّ عليه السلام ويتبرّأ من أعدائك! فقال رسول اللّه صلى الله عليه وآله: لا تقل؛^(۳) امام حسن عسكري عليه السلام فرمود: «شخصی به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: فلانی به داخل خانه همسایه اش نگاه می کند، و هر گاه موقعیت حرامی بر او پیدا شود از آن دست بر نمی دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله غضبناک شد و فرمود: او را نزد من آورید. شخصی دیگر که در مجلس حاضر بود، عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! او از شیعیان شما است و از جمله کسانی است که معتقد به ولایت شما و موالات علی است و از دشمنان شما بیزاری می جوید! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نگو که او از شیعیان ماست، این دروغ است، همانا شیعیان ما کسانی هستند که ما را پیروی کرده و در اعمال از ما متابعت نمایند».

ص: ۷۰

۱- ۱۰۳. پیشین.

۲- ۱۰۴. همان.

۳- ۱۰۵. تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۰۵.

۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: «ای جماعت شیعه! شما به ما منسوب هستید، زینت ما باشید، کاری نکنید که مردم با رفتار شما به ما بدبین شوند.» (۱)

۲ - و نیز فرمود: «خدا رحمت کند بنده ای را که ما را نزد مردم محبوب گرداند و باعث دشمنی مردم با ما نشود. به خدا سوگند اگر مردم محاسن کلمات ما را ببینند از هرچه عزیزتر خواهند شد و هرگز کسی نمی تواند به آن ها دسترسی پیدا کند.» (۲)

۳ - و نیز فرمود: «ای عبد الاعلی ... سلام و رحمت خدا را بر شیعیان ما برسان و به آن ها از قول من بگو: خدا رحمت کند بنده ای را که محبت مردم را به سوی خود و ما بکشد به این که معروف را بر آن ها ظاهر کرده و منکر را از آنان دور نماید.» (۳)

۴ - و نیز فرمود: «ای جماعت شیعه! زینت ما باشید و مایه بی آبرویی ما نشوید، به مردم سخن نیک بگویید. زبان های خود را حفظ کرده و از سخن زیادی و گفتار قبیح نگاه دارید.» (۴)

۵ - «وعن الامام الهادی علیه السلام - لشیعته: - اتقوا الله وكونوا زیناً ولا تكونوا شیئاً، جزوا الینا کلّ مودّه، وادفعوا عنّا کلّ قبیح»؛ (۵) «امام هادی علیه السلام خطاب به شیعیان خود فرمود: تقوا پیشه کنید و زینت ما باشید نه مایه بی آبرویی، هر دوستی و مودت را به سوی ما بکشید و از ما هر قبیحی را دفع نمایید.»

ص: ۷۱

۱- ۱۰۶. مشکاه الانوار، ص ۶۷.

۲- ۱۰۷. پیشین، ص ۱۸۰.

۳- ۱۰۸. بحار الانوار، ج ۲، ص ۷۷، ح ۶۲.

۴- ۱۰۹. امالی صدوق، ص ۳۲۷، ح ۱۷.

۵- ۱۱۰. تحف العقول، ص ۴۸۸.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

